

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مشروح مذاکرات شورای نگهبان

سال ۱۳۹۳

بخش اول

(فروردین تا شهریور)

پژوهشگاه شورای نگهبان

سرشناسه: جمعی از پژوهشگران
عنوان و نام پدیدآور: مشروح مذاکرات شورای نگهبان، سال ۱۳۹۳، بخش اول (فروردین تا شهریور) /
تحقیق و تنقیح جمعی از پژوهشگران.
مشخصات ناشر: تهران: شورای نگهبان، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۵.
۸۴۳ ص.؛ ۲۲ × ۲۹ س.م.
وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: نمایه.
موضوع: شورای نگهبان -- صورت مذاکرات
موضوع: Shoraye negahban -- Publication of proceeding
رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ م۵ش/۲۵۱۲ KMH
رده بندی دیویی: ۳۴۹/۵۵۰۵

مشروح مذاکرات شورای نگهبان سال ۱۳۹۳ بخش اول (فروردین تا شهریور)

تحقیق و تنقیح: جمعی از پژوهشگران به ترتیب حروف الفبا:

عمار امیری آرانی، حسین امینی پزوه، محمدحسن باقری، علی تقی نژاد، محمدبرزگر خسروی، عباس حسنخانی، سید احمد
حسینی پور اردکانی، حمیدرضا صادقیان، حسین فاتحی زاده کلخوران، کاظم کوهی اصفهانی، محمد مهاجری، محمد میثم نداف پور
پیاده سازی و تنظیم: محسن بیات، سید حامد چاوشی، علیرضا صحت قول نیکی، یاسر مجاهد، رضا نادى زاده و سعید همت یار

ناشر: پژوهشکده شورای نگهبان

چاپ اول: بهار ۱۳۹۷ - تیراژ: ۵۰۰ جلد - قیمت: ۹۹۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۸-۲۲-۸

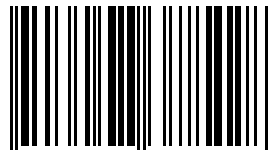
تهران، خیابان شهید سپهبد قرنی، کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲

فکس: ۰۲۱-۸۸۳۲۵۰۸۰

تلفن: ۰۲۱-۸۸۳۲۵۰۴۵

www.shora-rc.ir

nashr@shora-rc.ir



9 786008 378228

مشروح مذاکرات جلسه ۱۳۹۳/۵/۲۹

مشمول بر موضوعات زیر:

- ۱) نطق پیش از دستور
- ۲) لایحه تعیین حریم حفاظتی- امنیتی اماکن و تأسیسات کشور (اعاده شده از شورای نگهبان)
- ۳) طرح یک فوریتی افزایش نرخ باروری و پیشگیری از کاهش رشد جمعیت کشور
- ۴) طرح امکان سنجی انتقال مرکز سیاسی و اداری کشور و ساماندهی و تمرکززدایی از تهران
- ۵) بررسی قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم (بر اساس اصل چهارم قانون اساسی)

تلاوت آیاتی چند از کلام الله مجید

نطق پیش از دستور

آقای جنتی - تسلیت عرض می‌کنم این مصیبت بزرگ و عظامی شهادت امام صادق (علیه السلام) را و از خدای متعال می‌خواهم ما را از برکات وجود ائمه (علیهم السلام) از علمشان، از فقهشان، از همه دستوراتشان، از سیره‌شان و از سنتشان استفاده کنیم و ان شاء الله آن لیاقت را پیدا بکنیم که با آنها محشور بشویم و آنها هم ما را مشمول شفاعت خودشان قرار بدهند. من مجدداً رحلت عزیزمان حضرت آیت الله [حسین] شب‌زنده‌دار^۱ را هم تسلیت عرض می‌کنم. ایشان از عناصری بودند که وجودشان واقعاً مغتنم بود؛ چون از جمله کسانی هستند که نقش تعیین کننده و مؤثری در تربیت طلاب و مردم دارند و معلم اخلاق هستند و در گفتار و در کردار، مردم را به خدا و به معنویت و مسائل دینی و الهی دعوت می‌کنند. خدا ان شاء الله روحشان را با ارواح حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت عصمت علیهم السلام

۱. مرحوم آیت الله حسین شب‌زنده‌دار در سال ۱۳۰۸ شمسی برابر با ۸ شوال ۱۳۴۷ در شهر جهرم واقع در استان فارس دیده به جهان گشود. پس از طی مقدمات علوم دینی در جهرم و شیراز به قم مهاجرت کرد. ایشان دروس خارج فقه و اصول را نزد اساتیدی چون سید محمد محقق داماد، محمد علی اراکی و امام خمینی به پایان رسانید. این استاد برجسته‌ی حوزه علمیه قم پس از چهل سال تدریس در سطوح عالی حوزه، در ۴ مرداد ۱۳۹۳ در سن ۸۵ سالگی به دیار حق شتافت. پسر ایشان، آیت الله محمد مهدی شب‌زنده‌دار، از تیرماه سال ۱۳۹۲ از سوی رهبر معظم انقلاب به عنوان عضو فقیه شورای نگهبان انتخاب شدند.

محشور بفرماید. و به حضرت آیت الله [محمد مهدی] شب‌زنده‌دار عزیزمان هم تسلیت عرض می‌کنیم. از ایشان می‌خواهم که مراتب تسلیت ما را هم به همه بستگانان اعلام بفرماید. امیدوارم خداوند به شما طول عمر عنایت کند. شما خلف صالحی برای پدر هستید و ان شاء الله حضرت عالی در همان مسیر، مردم را و ماها را از برکات انفاس طیبه خودتان بهره‌مند بفرمایید و البته انتظار هم از شما همین است. من دیروز هم که به مجلس ختم [آیت الله شب‌زنده‌دار] آمده بودم یک کسی همین نکته را می‌گفت که از ایشان بخواهید که در تهران خلأ ایشان وجود دارد؛ الآن در تهران کسی را نداریم که بتواند مسائل معنوی و اخلاقی را در میان مردم ترویج بکند. او از من می‌خواست که از حضرت عالی بخواهم که شما اینجا [در تهران] هم برنامه‌هایی داشته باشید و علاقمندان بیایند و جلساتی داشته باشید و مردم از وجودتان بهره‌مند بشوند ان شاء الله. و صلی الله علی محمد و آل محمد.

لایحه تعیین حریم حفاظتی - امنیتی اماکن و

تأسیسات کشور (اعاده شده از شورای نگهبان)

منشی جلسه - بسم الله الرحمن الرحیم. دستور اول در خصوص «لایحه تعیین حریم حفاظتی - امنیتی اماکن و تأسیسات کشور»^۲ (اعاده شده از شورای نگهبان) است. آخرین ایرادی که

۲. لایحه تعیین حریم حفاظتی - امنیتی اماکن و تأسیسات کشور در تاریخ ۱۳۸۱/۸/۱۹ به تصویب هیئت وزیران رسید. این لایحه، پس از ارسال به مجلس شورای اسلامی، پس از گذشت چند دوره از ادوار مجلس و به سرانجام نرسیدن بررسی آن، نهایتاً در تاریخ ۱۳۹۳/۱/۱۷ به تصویب نمایندگان مجلس رسید. پس از آن این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۶۰/۱۸۲۹ مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۳ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، در مجموع در سه مرحله بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۷ و در مرحله‌ی دوم در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی و نیز وجود ابهام در برخی دیگر از مواد را طی نامه‌های شماره ۹۳/۱۰۲۳۰۳ مورخ ۱۳۹۳/۲/۲ و ۹۳/۱۰۲/۱۲۱۶ مورخ ۹۳/۳/۲۸ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۹ مجلس، این مصوبه در مرحله‌ی سوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۵/۲۹ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۸۱۴ مورخ ۹۳/۱۰۲/۱۸۱۴ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

۲. بند (۲) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۳۰۳ مورخ ۱۳۹۳/۲/۲ شورای نگهبان در خصوص ماده (۵) لایحه تعیین حریم حفاظتی - امنیتی اماکن و تأسیسات

صورت نقدی حسب موازین قانونی اقدام نمایند» جایگزین می‌شود. آن مصوبه‌ی اولیه [مورخ ۱۳۹۳/۱/۱۷] آن‌طور بوده است، بعد [در مصوبه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۳/۴] آن را این‌طور اصلاح کرده‌اند. خب، الآن در اینجا این کلمه‌ی «نقدی» اختصاص پیدا کند [و موجب می‌شود روش تأمین حقوق شرعی و قانونی مالکان، صرفاً به صورت نقدی باشد]؛ یعنی در حقیقت انحصار در رد عوّض به شکل نقدی در متن قانون می‌ماند؛ در حالی که می‌شود رضایت طرف را به صورت عوّض غیر نقدی هم جلب کرد.

آقای مدرسی یزدی - اگر رد عوّض [به صورت نقدی یا غیر نقدی]، براساس رضایت دو طرف باشد منافاتی ندارد.

آقای یزدی - منظورم این است که کلمه‌ی «نقدی» لازم نیست ذکر شود.

آقای مدرسی یزدی - چون اینجا که مثلی نیست [تا ردّ مثل لازم آید]؛ قیمی است.^۳

آقای علیزاده - اینجا منظور از نقدی این نیست که الزاماً وجه نقد بدهند، منظور این است که ...

آقای مدرسی یزدی - چرا، هست.

آقای یزدی - ظاهر کلمه‌ی «نقدی» یعنی اینکه پولش را بدهند.

آقای مدرسی یزدی - پولش را [به صورت نقدی] بدهند؛ ولی [برای ردّ عوّض به صورت غیر نقدی]، مانعی وجود ندارد.

آقای یزدی - ظاهراً عبارت واقعاً تصریح دارد که [فقط به صورت نقدی باید] پولش را بدهند.

آقای علیزاده - اگر به صورت غیر نقدی توافق بکنند، این عبارت ماده، مانع توافق نیست.

آقای یزدی - اگر به او عوّض ملکی‌اش را بدهند که عوّضی غیر نقدی است چه اشکالی دارد؟

آقای علیزاده - اگر عوّض غیر نقدی را قبول کند که اشکالی ندارد.

۳. اموال از حیث برخورداری از اشباه و نظایر بر دو قسم هستند: اموال مثلی که اشباه و نظایر آن نوعاً شایع و در دسترس است و اموال قیمی که از حیث اشباه و نظایر در مقابل اموال مثلی هستند. به طور کلی مالی که مانند، بسیار دارد، مانند اشیاء ساخت کارخانه‌ها و گندم، مثلی است و چیزهایی که مکیل یا موزون یا قابل اندازه‌گیری مانند پارچه نباشند، قیمی هستند. فایده و اثر حقوقی تقسیم اموال به مثلی و قیمی در نحوه‌ی جبران خسارت مالی فرد زیان‌دیده و ادای دین می‌باشد. چنانچه مال تلف‌شده یا مورد معامله از اموال مثلی باشد رد مثل لازم می‌آید، ولی اگر مال موضوع تعهد قیمی باشد، متعهدعلیه باید قیمت آن را رد کند. (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، چ ۱۰، ۱۳۷۸، ص ۶۱۵)

شورای نگهبان [در نظر شماره ۱۲۱۶/۱۰۲/۹۳ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸] داشته، این بوده است: «اشکال قسمت اخیر بند (۲) ایراد قبلی این شورا^۱ در خصوص ابهام تبصره ماده (۵)، کماکان به قوت خود باقی است.» مجلس الآن مصوبه را به این نحو اصلاح کرده است: «در تبصره ماده (۵) عبارت «آیین‌نامه اجرایی این قانون» حذف و کلمه «قانونی» جایگزین خواهد شد.» بنابراین طبق این اصلاحیه‌ی مجلس، تبصره‌ی ماده (۵) این‌گونه می‌شود: «اسکان و اشتغال اشخاص حقیقی و حقوقی و اتباع بیگانه که اقامت آنان در حریم امنیتی، ناقض امنیت اماکن و تأسیسات طبقه‌بندی شده نباشد با رعایت الزامات قانونی بلامانع است.» اگر نیاز هست ایراد قبلی را هم بخوانیم.

آقای علیزاده - آقایان اگر با اصلاح به عمل آمده، باز هم ابهام دارند بفرمایند. اگر ابهام را رفع شده می‌دانند، اما به این مصوبه ایرادی دارند بفرمایند. بنابراین این مصوبه فاقد ایراد تشخیص داده شد یا به عبارت دیگر واجد ایراد تشخیص داده نشد.

آقای یزدی - در اصلاح قبلی [به‌موجب عبارتی که شورای نگهبان در ماده (۵) واجد ابهام دانست] یک مسئله‌ای وجود دارد؛ در اصلاحیه‌ی [مورخ ۱۳۹۳/۳/۴] مجلس قید شده: «در ماده (۵)، عبارت «به غیر از روش تحدید حقوق مالکانه اشخاص، حسب موازین قانونی و آیین‌نامه اجرایی این قانون، اقدام نمایند» حذف و عبارت «پس از تأمین حقوق شرعی و قانونی مالکان به

→

کشور مصوب ۱۳۹۳/۱/۲۷ مجلس شورای اسلامی: «در ماده (۵) عبارت «به غیر از روش تحدید حقوق مالکانه اشخاص» واجد ابهام است. مضافاً بر اینکه در این ماده مشخص نیست که آیا منظور این است که با آیین‌نامه اجرایی محدودیت‌هایی برای اشخاص ایجاد گردد یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد. به علاوه در تبصره این ماده نیز منظور از عبارت «رعایت الزامات» روشن نیست؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر می‌گردد.» مجلس شورای اسلامی در مصوبه‌ی اصلاحی مورخ ۱۳۹۳/۳/۴، هیچ‌گونه اصلاحی در خصوص تبصره‌ی ماده (۵) اعمال نکرد. بر این اساس، شورای نگهبان در نظر شماره ۱۲۱۶/۱۰۲/۹۳ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸، مجدداً به این تبصره به صورت زیر ایراد گرفت: «اشکال قسمت اخیر بند (۲) ایراد قبلی این شورا در خصوص ابهام تبصره ماده (۵)، کماکان به قوت خود باقی است.»

۲. تبصره ماده (۵) لایحه تعیین حریم حفاظتی- امنیتی اماکن و تأسیسات کشور مصوب ۱۳۹۳/۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی: «تبصره- اسکان و اشتغال اشخاص حقیقی و حقوقی و اتباع بیگانه که اقامت آنان در حریم امنیتی، ناقض امنیت اماکن و تأسیسات طبقه‌بندی شده نباشد با رعایت الزامات آیین‌نامه اجرایی این قانون بلامانع است.»

آقای یزدی - خب بله.

آقای علیزاده - منتهی اگر نشد، باید قیمت نقدی اش را بدهند.

آقای یزدی - منظورم این است که کلمه‌ی «نقدی» منحصر به پرداخت پول است.

آقای علیزاده - این کلمه را به این جهت گفته است که نیابند مالش را بگیرند و بگویند ما عوض آن را بعداً به شما می‌دهیم.

آقای مدرسی یزدی - حالا به معنای پول هم باشد، مانعی ندارد.

آقای علیزاده - بله، یعنی همزمان این کار را انجام بدهند.

آقای ره‌پیک - بحث مهم در این‌گونه املاک، [لزوم پرداخت

عوض این املاک به مالکان بر اساس] «قیمت روز» بود.^۱ یک

معیاری را شورای انقلاب [در لایحه‌ی قانونی نحوه‌ی خرید و

تملك اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و

نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷] گفته بود [که پس از آنکه آن

مصوبه از سوی شورای نگهبان، واجد اشکال شرعی دانسته شد،^۲

۱. ماده (۶) لایحه تعیین حریم حفاظتی - امنیتی اماکن و تأسیسات کشور

مصوب ۱۳۹۳/۱/۱۷: «ماده ۶ - شهرداری‌ها و سایر مراجع قانونی ذی‌ربط

موظفند در صورت مراجعه مالکان املاک (عرصه و اعیانی) واقع در

حریم امنیتی اماکن و تأسیسات موضوع این قانون برای اخذ پروانه آنان

را با ذکر حقوق متعلقه براساس تراکم پایه شهر یا وفق طرح‌های

شهرسازی مصوب، به دستگاه‌های اجرایی معرفی نمایند. دستگاه‌های

اجرایی مربوط مکلفند حقوق متعلقه اعلامی را با رعایت لایحه قانونی

نحوه خرید و تملك اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی،

عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب جمهوری

اسلامی به قیمت روز حداکثر ظرف هجده ماه پرداخت نمایند.»

۲. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۳۰۳ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۷ شورای نگهبان در خصوص

ماده (۶) لایحه تعیین حریم حفاظتی - امنیتی اماکن و تأسیسات کشور

مصوب ۱۳۹۳/۱/۱۷: «همان‌طور که قبلاً طی نظریه‌های متعدد از جمله به

موجب نامه شماره ۸۸۳۰/۳۲۴۴۲ مورخ ۱۳۸۸/۲/۱۹ اعلام شده است،

ماده (۴) لایحه قانونی نحوه خرید و تملك اراضی و املاک برای اجرای

برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای

انقلاب جمهوری اسلامی* خلاف شرع می‌باشد؛ لذا ماده (۶) واجد

اشکال شرعی است. همچنین با توجه به تبصره یک این ماده، قسمت

اخیر ماده (۶) ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»

* ماده (۴) لایحه قانونی نحوه خرید و تملك اراضی و املاک برای

اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷

شورای انقلاب جمهوری اسلامی: «ماده ۴ - هرگاه نسبت به تعیین بهای

عادلای اراضی و ابنیه و تأسیسات و حقوق و خسارات وارده بین

«دستگاه اجرایی» و مالک توافق حاصل نشود، بهای عادلای توسط هیئتی

مرکب از سه نفر کارشناس رسمی دادگستری تعیین می‌گردد. کارشناسان

یک نفر از طرف «دستگاه اجرایی»، یک نفر از طرف مالک یا صاحب

حق و نفر سوم به انتخاب طرفین و در صورت عدم توافق یا استنکاف،

به معرفی دادگاه صالحه محل وقوع ملک انتخاب می‌شوند. رأی اکثریت

هیئت مزبور قطعی و لازم‌الاجراء است.»

عبارت «به قیمت روز» تبدیل شد به «نقدی بر اساس قوانین».^۳

آقای علیزاده - در اینجا مجلس گفته بود به «قیمت روز»؛ ما

گفتیم این معیار معلوم نیست و ابهام دارد.

آقای یزدی - اصلاً مگر قانون می‌تواند عوض غیر نقدی را منع

بکند و بگوید عوض باید حتماً به شکل نقد باشد.

آقای مدرسی یزدی - بله، عیبی ندارد؛ منع معنایش همین است

دیگر؛ اما اگر طرفین با هم نسبت به عوض غیر نقدی مصالحه

کردند، مشکلی ندارد.

آقای یزدی - می‌دانم اگر مصالحه کنند مشکلی ندارد؛ اما آیا

این عبارت، انحصار به وجه نقدی را نمی‌فهماند؟

آقای علیزاده - نه.

آقای مدرسی یزدی - با رضایت، [امکان توافق بر عوض غیر

نقدی وجود دارد].

آقای علیزاده - عدم مصالحه، رضایت را از بین نمی‌برد.

آقای اسماعیلی - بله.

آقای ره‌پیک - حکم قانونی اش «قیمت روز» بود.

آقای یزدی - خیلی خوب، اگر این مصوبه، امکان دریافت

عوض غیر نقدی را می‌فهماند، ایرادی ندارد.

آقای علیزاده - بله.

آقای یزدی - به فرمایش شما، در اینجا کلمه‌ی «نقدی» یعنی

پول؛ منتها آقای مدرسی می‌گویند چون یک قانون کلی هم

هست که بر اساس آن، تراضی بین طرفین، معتبر و کافی است؛

و لذا آن [امکان دریافت عوض غیر نقدی با تراضی طرفین] در

جای خودش محفوظ است.

آقای علیزاده - بله، منظور از «نقدی» در این ماده، پول است؛

اما این قید، نافی تراضی طرفین برای عوض غیر نقدی نیست.^۴

۳. اصلاحیه‌ی ماده (۶) لایحه تعیین حریم حفاظتی - امنیتی اماکن و

تأسیسات کشور مصوب ۱۳۹۳/۳/۴: «از انتهای ماده (۶)، عبارت «لایحه

قانونی نحوه خرید و تملك اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های

عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب

جمهوری اسلامی به قیمت روز حداکثر ظرف هجده ماه پرداخت

نمایند.» حذف و عبارت «قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی به

صورت نقدی پرداخت نمایند.» جایگزین می‌شود.»

۴. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۸۱۴ مورخ ۱۳۹۳/۵/۲۹ شورای نگهبان: «عطف به

نامه شماره ۶۰/۳۳۸۱۱ مورخ ۱۳۹۳/۵/۲۱ و پیرو نامه شماره

۹۳/۱۰۲/۱۲۱۶ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸، لایحه تعیین حریم حفاظتی - امنیتی

اماکن و تأسیسات کشور که با اصلاحاتی در جلسه مورخ نوزدهم

مردادماه یکپزار و سیصد و نود و سه به تصویب مجلس شورای اسلامی

رسیده است، در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۵/۲۹ شورای نگهبان مورد بحث و

طرح افزایش نرخ باروری و پیشگیری از کاهش رشد جمعیت کشور

منشی جلسه - «طرح افزایش نرخ باروری و پیشگیری از کاهش رشد جمعیت کشور»^۱

ماده ۱- کلیه اعمال جراحی که به منظور پیشگیری دائمی از بارداری انجام می‌شود، به استثنای موارد مرتبط با تهدید سلامت، ممنوع است. عدم رعایت این حکم توسط شاغلین حرف پزشکی تخلف محسوب می‌شود و متخلفین متناسب با عمل ارتكابی و تکرار آن، به مجازات انتظامی مندرج در تبصره (۱) ماده (۲۸) قانون سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۸/۱۶ محکوم می‌شوند.

→

بررسی قرار گرفت و با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. طرح افزایش نرخ باروری و پیشگیری از کاهش رشد جمعیت کشور که توسط عده‌ای از نمایندگان مجلس با قید دو فوریت به مجلس تقدیم شده بود، با تصمیم نمایندگان مبنی بر بررسی آن به صورت یک‌فوری، در دستور بررسی مجلس قرار گرفت و سرانجام در تاریخ ۱۳۹۳/۵/۱۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۴۶/۳۳۸۱۶ مورخ ۱۳۹۳/۵/۲۱ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، تا کنون در سه مرحله بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۵/۲۹ و در مرحله‌ی دوم در جلسه‌ی ۱۳۹۳/۷/۳۰ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با قانون اساسی و سیاست‌های کلی جمعیت (ابلاغی مقام معظم رهبری) و نیز وجود ابهام در برخی دیگر از مواد را به ترتیب طی نامه‌های شماره ۹۳/۱۰۲/۱۸۲۲ مورخ ۱۳۹۳/۶/۱ و ۹۳/۱۰۲/۲۳۶۶ مورخ ۱۳۹۳/۸/۵ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. این مصوبه، به رغم اصلاحاتی که مجلس برای رفع ایرادهای شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۹۶/۸/۱۰ اعمال کرد، در مرحله‌ی سوم رسیدگی نیز با ایراد شورای نگهبان مواجه شد. شورای نگهبان در این مرحله، مصوبه‌ی مورخ ۱۳۹۶/۸/۱۰ مجلس را در جلسه‌ی ۱۳۹۶/۸/۱۷ بررسی کرد و همچنان مفاد آن را در تغایر با قانون اساسی و سیاست‌های کلی جمعیت تشخیص داد و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۶/۱۰۲/۲۳۲۹ مورخ ۱۳۹۶/۸/۲۲ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

۲. تبصره (۱) ماده (۲۸) قانون سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۸/۱۶: «ماده ۲۸- سازمان نظام پزشکی به منظور رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلین حرف پزشکی و وابسته در مرکز، دارای هیئت‌های عالی انتظامی پزشکی و در مراکز استان‌ها دارای هیئت‌های بدوی و تجدیدنظر و در شهرستان‌ها دارای هیئت‌های بدوی انتظامی پزشکی خواهد بود که مطابق مواد بعدی این قانون تشکیل می‌گردند.

تبصره ۱- عدم رعایت موازین شرعی و قانونی و مقررات صنفی و

←

تبصره- موارد تهدید سلامت را وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اعلام می‌کند.»

آقای ابراهیمیان - آقایان مجمع مشورتی قم، در مورد این ماده، نظر داده‌اند.

آقای شب‌زنده‌دار - بله، گفته‌اند: «حکم پیشگیری دائمی از بارداری مورد اختلاف بین علماء و مراجع عظام می‌باشد و نظر مقام معظم رهبری «مد ظله‌العالی» آن است که اگر بستن لوله‌های مرد برای جلوگیری از افزایش جمعیت با یک غرض عقلایی صورت گیرد و ضرر قابل ملاحظه‌ای هم نداشته باشد، فی نفسه اشکال ندارد و لذا اطلاق منع در ماده مذکور، از جهت شمول نسبت به مورد تجویزی در نظر مقام معظم رهبری «مد ظله‌العالی»، خلاف نظر ایشان و خلاف شرع دانسته شد. (مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع تقلید، جلد (۱) و (۲)، تهیه و تنظیم: سید محسن محمودی، ص ۱۲۷ و ۱۲۹- رساله أجوبه الإستفتانات، صفحه ۲۷۷، سؤال (۱۲۵۶)»^۲ یعنی می‌گویند مگر اینکه این ماده، یک حکم ولایی باشد، و آلا حکم اولیه‌ی شرعی، خلاف این است.

آقای هاشمی شاهرودی - این ماده، دارد جراح را [از عمل جراحی پیشگیری از بارداری] منع می‌کند، نه آن شخص را. این ماده می‌گوید که جراح، حق ندارد این کار را در بیمارستان‌ها انجام بدهد.

→

حرفه‌ای و شغلی و سهل‌انگاری در انجام وظایف قانونی به وسیله شاغلین حرف پزشکی و وابسته به پزشکی تخلف محسوب و متخلفین با توجه به شدت و ضعف عمل ارتكابی و تعدد و تکرار آن، حسب مورد به مجازات‌های زیر محکوم می‌گردند:

الف- تذکر یا توبیخ شفاهی در حضور هیئت مدیره نظام پزشکی محل

ب- اخطار یا توبیخ کتبی با درج در پرونده نظام پزشکی محل

ج- توبیخ کتبی با درج در پرونده نظام پزشکی و نشریه نظام پزشکی محل یا الصاق رأی در تابلو اعلانات نظام پزشکی محل

د- محرومیت از اشتغال به حرفه‌های پزشکی و وابسته از سه ماه تا یک سال در محل ارتكاب تخلف

ه- محرومیت از اشتغال به حرفه‌های پزشکی و وابسته از سه ماه تا یک سال در تمام کشور

و- محرومیت از اشتغال به حرفه‌های پزشکی از بیش از یک سال تا پنج سال در تمام کشور

ز- محرومیت دائم از اشتغال به حرفه‌های پزشکی و وابسته در تمام کشور.

تبصره ۲- آیین‌نامه‌های ذی‌ربط در این باره به قوت خود باقی است و اجرا خواهد شد و در صورت نیاز به هرگونه تغییر با تصویب شورای عالی نظام پزشکی قابل تغییر و اجرا می‌باشد.»

۳. نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۳/۱۶۹/ف مورخ ۱۳۹۳/۵/۲۷، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/M33Vm

آقای شب‌زنده‌دار - آن قوانین هم همین‌طور است. ما از آقا [=] مقام معظم رهبری] هم این موضوع را سؤال کردیم.

آقای علیزاده - قانون به ناوایی سنگگی می‌گوید شما حق پخت نان تافتون را ندارید؛ به ناوایی سنگگی می‌گوید تو نان تافتون پخت نکن.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، به ناوا می‌گوید باید طبق این مقررات عمل کنی؛ مثلاً به ناوا می‌گوید تو باید در این محدوده کار کنی و نمی‌توانی از این استان به استان دیگر بروی.

آقای علیزاده - نه، اصلاً قانون به ناوایی سنگگی می‌گوید تو نان بربری نفروش.

آقای ابراهیمیان - آن غرض عقلایی هم که مقام معظم رهبری فرمودند، [باید وجود داشته باشد].

آقای هاشمی شاهرودی - آن بحث فقهی [پیرامون بلامانع بودن پیشگیری دائمی از بارداری]، منافاتی با حکم این ماده ندارد.

آقای سوادکوهی - منطبق با فتوا است.

آقای علیزاده - چون این ماده دارد اشخاص را از این عمل منع می‌کند، تشخیص عقلایی بودن آن را بر عهده‌ی چه کسی بگذاریم؟

آقای هاشمی شاهرودی - اصلاً آن بحث دیگری است.

آقای علیزاده - می‌دانم؛ منظورم این است که اصلاً چطور می‌شود [چنین فتوایی را در سطح جامعه عملیاتی کرد]. بنابراین الان این ماده دارد آقای طبیب را منع می‌کند و می‌گوید شما نباید این کار را انجام بدهید.

آقای هاشمی شاهرودی - این قانون، مثل آن قانونی است که پزشک را از اینکه در غیر شهر خودش طبابت کند، منع می‌کند، خُب، شرعاً [که طبابت در شهر دیگر حرام نیست، ولی قانون او را منع می‌کند].

آقای یزدی - حاج آقای شاهرودی، این اشکال مهمی نیست، اما در عین حال، وقتی از یک طرف در این ماده، جراح را از انجام عمل پیشگیری منع کرده است و از طرف دیگر، فتوای مقام معظم رهبری به اشخاص می‌گوید که با رعایت یک سری شرایط از جمله وجود غرض عقلایی، این کار مانعی ندارد و می‌توانی این کار را انجام بدهی، خب حالا اگر یک فردی بخواهد با یک غرض عقلایی این کار را انجام بدهد و انجام این کار، بدون جراحی هم نمی‌شود، باید چکار کند؟

آقای سوادکوهی - ماده (۱) که اجازه داده است.

آقای رهپیک - این فرض شما، جزء موارد استثنا است.

آقای شب‌زنده‌دار - خُب وقتی این عمل حلال است، چرا نمی‌تواند انجام دهد؟

آقای هاشمی شاهرودی - بالاخره وقتی که جراح در تشکیلات اداری این مملکت مشغول کار است، باید این حکم را رعایت کند، ولی این منع، به معنای حرمت آن کار نیست.

آقای شب‌زنده‌دار - نه، حالا اگر بیمارستان دولتی باشد، بله، می‌توان گفت پزشک چنین حقی ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - در اینجا، اشاره‌ای به بیمارستان دولتی نکرده است، بلکه این منع هم یکی از قوانین بیمارستان است که به پزشکان می‌گوید فلان کارها را نکنید.

آقای رهپیک - این کار، شبیه عقیم‌سازی است.

آقای اسماعیلی - این ماده، راجع به ممنوعیت پیشگیری دائمی از بارداری است.

آقای هاشمی شاهرودی - در اینجا، جراح را دارند از این عمل جراحی منع می‌کنند؛ نمی‌گوید که آن شخص نمی‌تواند [از بارداری پیشگیری کند].

آقای علیزاده - بله، حکم این ماده، مربوط به آن آقا نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، در اینجا نمی‌گوید که آن شخص، نمی‌تواند این کار را بکند.

آقای رهپیک - بله، یعنی در حقیقت این ماده مربوط به کسی که حرفه‌اش عقیم‌سازی است.

آقای هاشمی شاهرودی - این فتوای مقام معظم رهبری، مربوط به خود شخصی است که دارد خودش را عقیم می‌کند. ایشان در چنین حالتی می‌گوید که با شرایطی این کار برای آن شخص جایز است. اما این ماده می‌خواهد بگوید که جراح‌های ما در کشور، حق این کار را ندارند و [اگر کسی می‌خواهد خود را عقیم کند] برود این عمل را در کشور دیگری انجام بدهد.

آقای شب‌زنده‌دار - چرا می‌فرمایید جراح چنین حقی ندارد؟ اگر این کار، کار حلالی است، چرا جراحان حق ندارند این کار را انجام دهند؟

آقای هاشمی شاهرودی - همان‌طور که خیلی از کارهای حلال دیگر را حق ندارند انجام بدهند.

آقای شب‌زنده‌دار - خُب، پس در این صورت، حکم این ماده، حکم ولایی می‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، شامل حکم ولایی نمی‌شود. این هم مثل خیلی دیگر از قوانین مجلس است که مثلاً فروش یک کالا یا واردات آن از خارج را منع می‌کند.

است. من خواهش می‌کنم که به سادگی از آن نگذرید. این مشکلی است که امروز جمعیت کشور را تهدید می‌کند و مقام معظم رهبری هم روی آن خیلی حساسیت به جا و به حقی دارند. الآن هم روز به روز و به طور مداوم نرخ باروری دارد کاهش پیدا می‌کند. مسئله‌ی سقط جنین و مسائلی از این قبیل هم که الی ماشاءالله خیلی فراوان شده است. در این مورد، ما باید هر کاری که می‌توانیم، انجام بدهیم و باید کمک بکنیم تا یک مقداری این وضعیت تغییر پیدا بکند. این مصوبه و این مواردی که نوشته‌اند، خیلی ناقص است؛ مثلاً در این ماده فقط نوشته‌اند که «کلیه اعمال جراحی» ممنوع است، در حالی که الآن، وسایل مختلفی وجود دارد که غیر از عمل جراحی، جلوی باروری را می‌گیرد و افراد را عقیم می‌کند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای جنتی - ما باید در این خصوص از مجلس یک سؤالی بکنیم. لاقلاً در اینجا این ابهام وجود دارد که آیا این ماده، اعمالی غیر از عمل جراحی که منجر به کاهش باروری می‌شود را هم در بر می‌گیرد؟ آیا این اعمال، مجاز است یا غیرمجاز؟ این را در همین ماده باید مشخص بکنند. راه حل آن را باید پیدا بکنیم.

آقای ابراهیمیان - این مصوبه، اصلاً فایده‌ای ندارد.

آقای جنتی - الآن، کسی نمی‌تواند راجع به این طرح حرفی بزند. از آن طرف، عرض کردم که این مصوبه، سرنوشت‌ساز است. بعد از تصویب این مصوبه، دوباره فردا یا پس فردا هم که در این زمینه، یک طرح یا لایحه‌ی دیگری به مجلس نمی‌آورند. هر اتفاقی که برای این مصوبه افتاد، دیگر تمام می‌شود و تا مدت‌ها، تا چهار، پنج سال، طبق این عمل می‌شود.

آقای علیزاده - الآن، این مصوبه محدودیتی برای خود فرد مراجعه‌کننده ایجاد نکرده است، بلکه به طبیب دارد می‌گوید که شما نمی‌توانی عمل جراحی برای پیشگیری دائمی از بارداری انجام بدهی. اگر هر کسی برای خودش یک نفع عقلایی می‌بیند، با وسایل دیگری، از بارداری جلوگیری می‌کند. لذا اگر شما می‌خواهید و می‌توانید افراد را ملزم کنید که حتماً بچه داشته باشند، خوب اینجا هم می‌توانید بگویید [که به طور کلی، عقیم‌سازی به هر طریق برای افراد ممنوع است]، اما این مصوبه می‌خواهد یک راهی پیشنهاد دهد که پیشگیری از بارداری تسهیل نشود.

آقای هاشمی شاهرودی - بالاخره، این ماده اشکالی ندارد.

آقای یزدی - نه دیگر؛ با این ماده، پزشک را از عمل جراحی منع کرده است.

آقای ره‌پیک - نه، استثنا دارد.

آقای یزدی - یعنی می‌فرمایید اینها با هم تهافت ندارد؛ چون آن فتوا برای افراد است و این مصوبه هم برای منع جراح و برای نظام پزشکی است؟ الآن با این مصوبه، جراحان در نظام پزشکی، دیگر حق ندارند این کار را بکنند. خوب حالا اگر یک فردی نیاز دارد که این عمل جراحی را انجام دهد و غرض عقلایی هم دارد، فتوا هم این است که این عمل بلاشکال است، [چه باید کرد؟] نتیجه این می‌شود که طبق این ماده، هر جراحی می‌گوید قانون جلوی من را گرفته است و من قانوناً نمی‌توانم این عمل را انجام بدهم.

آقای هاشمی شاهرودی - خوب بشود؛ چه اشکالی دارد؟

آقای یزدی - حالا شما بفرمایید که آیا این دو با هم تهافت ندارد یا تهافت دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، این تهافت نیست؛ چون آن شخص می‌تواند به بیرون از کشور برود و این عمل جراحی را انجام بدهد.

آقای یزدی - اگر به خارج از کشور هم برود، بالاخره هر جا که برود، باید این کار را قاچاقی انجام بدهد.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، خارج از کشور که منعی ندارد؛ حرام هم نیست.

آقای علیزاده - این ماده، این عمل را برای فرد مراجعه‌کننده، ممنوع نکرده است؛ برای طبیب ممنوع کرده است.

آقای یزدی - وقتی این عمل جراحی هیچ اشکالی برای فرد ندارد، و غرض عقلایی هم وجود دارد، چرا باید این شخص برای انجام این عمل جراحی به هر بیمارستان یا مؤسسه‌ی پزشکی که می‌رود، جراحان به او بگویند قانون جلوی ما را گرفته است و ما نمی‌توانیم این کار را بکنیم؟

آقای مدرسی یزدی - باشد؛ خُب مگر چطور می‌شود؟ اینجا هم مثل جایی است که شخص می‌خواهد یک کار دیگری بکند و پزشک می‌گوید قانون جلوی من را گرفته است و نمی‌تواند این کار را بکند. بالاخره حکومت، یک اختیاراتی دارد.

آقای ره‌پیک - بله.

آقای یزدی - این مصوبه، اشکالات دیگری هم دارد، ولی بالاخره باید بررسی شود.

آقای جنتی - آقایان، این مصوبه، مصوبه‌ی سرنوشت‌سازی

آقای علیزاده - این ماده، الآن اشکالی ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - آقای جنتی برعکس می‌گویند؛ می‌گویند نه فقط عمل جراحی، حتی اعمال غیر از جراحی هم باید منع شود.

آقای رهپیک - نه، حرف کسانی که مخالف شکل این طرح هستند، این است که می‌گویند منع اعمال جراحی برای پیشگیری از بارداری، و به طور کلی تصویب این قانون، یک غرضی داشته است. آن غرض این بوده که می‌خواسته‌اند در راستای «سیاست‌های کلی جمعیت»^۱ یک کاری انجام بدهند. در ابتدا هم قرار بر این بود که این طرح به چند کمیسیون مجلس برود و از جنبه‌های مختلف، بحث‌های اقتصادی و اجتماعی و... آن بررسی بشود، منتها این طرح فقط به کمیسیون بهداشت رفت و تنها به این موضوع محدود شد. آنجا هم بحث فراگیرتر از این بود که الآن در این مصوبه آمده است. الآن در این مصوبه فقط می‌گویند که پزشک، بیمارستان و مرکز بهداشتی نمی‌تواند به صورت دائمی از بارداری پیشگیری کند که این کار، کاری است شبیه عقیم‌سازی. اما حرف این است که الآن، شیوه‌ها و طُرُق دیگری به غیر از اعمال جراحی وجود دارد که این کار با آنها انجام می‌شود. الآن شیوه‌هایی مثل روش هورمونی، تزریقی و امثال اینها وجود دارد که با آنها این کار را انجام می‌دهند و این شیوه‌ها خیلی بیشتر از روش جراحی است.

آقای مدرسی یزدی - شما این آمار را از کجا آورده‌اید؟

آقای رهپیک - آمار، موجود است؛ یک سری مطالب و آمار مفصلی را برای ما فرستاده‌اند. الآن، ضمن اعمال دیگری برای پیشگیری از بارداری اقدام می‌کنند و کمتر تحت عنوان عمل جراحی این کار را می‌کنند. مثلاً آمار داده بودند که در حدود ۸۰-۷۰ درصد سزارین‌ها، هم‌زمان با سزارین، لوله را هم می‌بندند.

آقای هاشمی شاهرودی - آن هم مشمول این ماده است.

آقای علیزاده - همین است دیگر.

آقای رهپیک - خُب یک ابهاماتی در این طرح وجود دارد که با وجود آنها مشخص نیست این عمل سزارین همراه با عقیم‌سازی، شامل این ماده می‌شود یا نه، منظور عملی است که برای عقیم‌سازی انجام می‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - در آنجا هم بالاخره دو عمل جراحی صورت می‌گیرد.

آقای مدرسی یزدی - ماده (۱) می‌گوید: «کلیه اعمال جراحی

که به منظور پیشگیری ...»

آقای هاشمی شاهرودی - یعنی ولو ضمن عمل جراحی دیگری باشد.

آقای رهپیک - حالا عرض من این است که حرف مخالفین این طرح این بود که آن طرح کلان - که در راستای سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری بود- به یک امر محدودی در مورد اعمال جراحی پیشگیری از بارداری تبدیل شده است. ضمن اینکه این موارد استثنایی این اعمال جراحی را هم به وزارت بهداشت محول کرده‌اند که تعیین کند. وزارت بهداشت هم الآن طوری موارد تهدید سلامت را تعریف کرده که هر خطر احتمالی کوچک هم تهدید سلامت محسوب می‌شود. اینها تهدید سلامت را به جانی، روانی، اقتصادی و اجتماعی تقسیم کرده‌اند.

آقای مدرسی یزدی - این موارد که در این مصوبه نیست!

آقای رهپیک - نه، تعیین موارد تهدید سلامت را به خود وزارت بهداشت واگذار کرده است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، در تبصره‌ی ماده (۱) اشاره شده است.

آقای مدرسی یزدی - این تبصره، استثنائات را ذکر نکرده است.

آقای رهپیک - چرا دیگر؛ در این تبصره، گفته است که موارد تهدید سلامت یا همان استثنائات را وزارت بهداشت تعیین می‌کند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، در تبصره آمده است.

آقای رهپیک - در تبصره‌ی ماده (۱) گفته شده که وزارت بهداشت، موارد تهدید سلامت را اعلام می‌کند. وزارت بهداشت، در راستای برنامه‌هایش، یک دفترچه‌هایی دارد که در آنجا موارد تهدید سلامت را به دفاتر بهداشتی و مراکز بهداشتی اعلام کرده است؛ مثلاً در این دفترچه‌ها، سن بارداری تعیین کرده‌اند و گفته‌اند که بارداری برای خانم‌های بالای (۳۵) سال، خطر دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - به این تبصره، اشکال وارد است.

آقای مدرسی یزدی - خُب، به این تبصره ابهام می‌گیریم.

آقای رهپیک - حالا راجع به اشکالات آن تبصره، بعداً عرض می‌کنم. بحث کلی این طرح این است که این طرح، واقعاً یک چیز ناقصی است. دیروز هم خانم‌هایی از مجلس به اینجا آمده بودند و جلسه‌ای گذاشتند. ما پیشنهادمان این بود که یکی دو

۱. «سیاست‌های کلی جمعیت»، ابلاغی مورخ ۱۳۹۳/۲/۳۰ مقام معظم رهبری (مدّ ظله‌العالی).

آمد. برخی از آنها مثل فرانسه و آلمان، آمدند یک سری از عرب‌های شمال آفریقا، ترکیه و امثال این کشورها را به کشورشان آوردند که اینها در آن کشورها زاد و ولد کردند. بعداً دیدند که کم‌کم مسلمان‌ها دارند کل این شهرها و حاشیه‌ها را می‌گیرند و مردم خودشان هم به خاطر خوش‌گذرانی‌ها، حاضر نیستند که بچه‌دار بشوند. در آن موقع اینها آمدند با سیاست‌گذاری‌هایی مثل دادن یارانه و پرداخت کمک این مسئله را حل کنند. مثلاً به زنان آبتن، یارانه‌ی مخصوص دوره‌ی بارداری، شیردهی و تربیت بچه پرداخت کردند. آنها به این پول‌ها جهت دادند که مردم تشویق بشوند و اولاً به سمت تشکیل خانواده بروند و ثانیاً زاد و ولد کنند. حالا اینکه ما در اینجا، بیاییم و مثلاً این نوع عمل جراحی را ممنوع کنیم، واقعیت این است که نباید خیلی امید به آن داشته باشیم. من هم موافقم که چند ایراد کلی به این مصوبه بگیریم تا نمایندگان مجلس بروند و روی این موضوع، یک مقدار جدی‌تر کار بکنند. به نظرم، اشکال شرعی که حاج‌آقای یزدی فرمودند، مسئله‌ی مهمی است. اگر واقعاً این عمل جراحی تجویز شده و مباح اعلام شده است، آن‌وقت، ما چگونه می‌توانیم بیاییم پزشک‌ها را از این عمل منع کنیم، یا اینکه اگر واقعاً یک غرض عقلایی برای جلوگیری از بارداری باشد، چگونه ما می‌توانیم همه‌ی بیمارستان‌های خصوصی و عمومی خودمان را از انجام چنین عمل جراحی منع بکنیم؟ خُب، پس این شخص باید چکار بکند؟ ممنوعیت حاکم هم باید یک غرض عقلایی داشته باشد. مبنای این ممنوعیت حاکم که می‌گوید شما پزشک این کار را نکن چیست؟ اگر مصالح این ممنوعیت، مربوط به مصالح کنترل جمعیتی است، خُب ما استثنای شرعی را در این فتاوا پذیرفته‌ایم. شما یک‌جایی می‌توانید بگویید که آقا دیگر بس است؛ مثلاً (۱۰) تا بچه کافی است و جلوی فرزندآوری را بگیرید. بالاخره همه‌ی راه‌های مربوط به اعمال یک حق، یک حلال یا مباح را نمی‌شود بست. نمی‌شود بگوییم که یک خانواده‌ی روستایی که مثلاً (۱۰) تا بچه دارد، به کشور عراق یا یک کشور دیگر یا اصلاً به اروپا برود و آنجا عمل جراحی پیشگیری از بارداری انجام بدهد. به نظرم، این مصوبه چند ایراد دارد که باید آنها را بگیریم تا به مجلس برگردد و یک‌خُرده جدی‌تر بررسی شود و آلاً ما با این مصوبه، فقط یک متن دیگری به متون قانونی اضافه کرده‌ایم که هیچ اثری جز رواج و افزایش اعمال جراحی زیرزمینی که بهداشت عمومی و

ایراد از ایرادهای اساسی که این مصوبه دارد را بگیریم و بعد که این مصوبه به مجلس برگشت، آنها در مجلس، کمیسیون مشترک تشکیل دهند و این مصوبه را در کمیسیون مشترک بررسی کنند. چون آقا [=مقام معظم رهبری] در سیاست‌های کلی جمعیت که ابلاغ فرمودند، [به جنبه‌های مختلف این موضوع توجه فرمودند] هم نسبت به بحث امکانات تأکید کردند و هم ...

آقای علیزاده - سیاست‌های کلی جمعیت را بیاورید تا ببینیم و با توجه به سیاست‌ها، صحبت کنیم.

آقای رهپیک - واقعاً هیچ چیزی از این مصوبه در نمی‌آید. وزارت بهداشت هم دارد کار خودش را می‌کند. کسی گوش نمی‌کند که بگوید این عمل جراحی، تخلف محسوب بشود یا عاملش مجازات بشود.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، وزارت بهداشت، کمترین ضرر را تهدید سلامت به حساب می‌آورد.

آقای رهپیک - بله، الآن در آن دفترچه‌هایی که پیش ما آورده‌اند، نوشته است که بارداری برای افراد زیر (۱۵) سال و بالای (۳۵) سال، خطر دارد و از نظر روانی، تهدید سلامت است. اگر شخصی افسرده بشود، این هم نوعی تهدید سلامت است.

آقای علیزاده - آن آیین‌نامه‌ی وزارت بهداشت را هم بدهید تا یک نگاهی به آن بکنیم.

آقای رهپیک - اینجا آورده بودند. حالا ما پیشنهادمان این است [که یکی دو ایراد کلی به این مصوبه بگیریم و این طرح، به مجلس برگردد]. این مصوبه، یکی دو تا ایراد این‌طوری دارد.

آقای ابراهیمیان - بسم الله الرحمن الرحیم. این مصوبه برای این هدفی که ما داریم، هیچ فایده‌ای ندارد. این‌طور قانون‌گذاری هیچ اثری ندارد. الآن در مورد سقط جنین، جرم‌انگاری شده و مجازات هم دارد ولی تنها اثرش این شده است که کار و کاسبی یک سری از پزشکان - که کار زیرزمینی انجام می‌دهند - رواج بیشتری پیدا کرده است. یک نکته این است که ما برای اینکه به آن هدف برسیم، فقط به این ممنوعیت‌ها دل نبندیم و توجه داشته باشیم که در این موارد، مقوله‌ی سیاست‌گذاری بیشتر اهمیت دارد. همان‌طوری که فرمودند آن سیاست‌گذاری مهم است که تعیین‌کننده باشد و ما بتوانیم طبق آن با این خطر مقابله بکنیم. چند سال پیش که بحث یارانه‌ها را مطرح کردند، [به این خاطر بود که] این کشورهای اروپایی، بعد از جنگ جهانی دوم، جمعیتشان پایین

سلامت مردم را به خطر می‌اندازد، ندارد.

آقای علیزاده - الان، ما باید یک ایراد کلی بگیریم و بگوییم این مصوبه با سیاست‌های کلی جمعیت که آقا [= مقام معظم رهبری] ابلاغ کرده‌اند، مطابقت ندارد. در ضمنش بگوییم ایرادهای دیگری هم دارد که باید آنها را رفع بکنید. مثلاً این ماده، عمل جراحی را ممنوع کرده است، اما جلوی راه‌های دیگر پیشگیری دائمی از بارداری را که نبسته است. خوب ممکن است کسی پیش خودش فکر می‌کند که این کار برایش منفعت عقلایی دارد و جلوی بارداری‌اش را بگیرد. مثلاً الان یک آقا و خانمی سه بچه به دنیا می‌آورند و می‌گویند سه فرزند برای ما کافی است و خودشان را عقیم می‌کنند. فردا یک حادثه‌ای پیش می‌آید و هر سه فرزندشان می‌میرند. الان که می‌خواهند دوباره بچه‌دار شوند، دیگر نمی‌توانند؛ چون عقیم شده‌اند. این مصوبه دارد جلوی این را می‌گیرد که حداقل افراد به‌طور کلی عقیم نشوند. این مصوبه که راه جلوگیری از بچه‌دار شدن را نگرفته است، بلکه می‌گوید آقای دکتر نمی‌تواند عمل جراحی انجام بدهد که فرد به‌طور کلی بچه‌دار نشود. اینها ایرادهای جزئی این مصوبه است. اما ما باید یک اشکال کلی به این مصوبه وارد کنیم. ما باید بگوییم که اگر هدف شما تحقق سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری است که این مصوبه، آن هدف را محقق نمی‌کند. ایشان هم فرمودند قوانین جامع در این زمینه تدوین بکنید. ما به مجلس بگوییم این مصوبه علاوه بر اشکالات دیگری که دارد، این اشکال کلی را هم دارد، بروید و آن را اصلاح کنید و به ما برگردانید.

آقای هاشمی شاهرودی - این حرف درستی است، منتها این ماده‌ی اول، نه از نظر شرعی و نه از نظر قانونی، هیچ اشکالی ندارد و منافاتی هم با سیاست‌های کلی جمعیت ندارد. البته تبصره‌اش، بله منافات دارد.

آقای ره‌پیک - تبصره که حتماً ایراد دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - شما به این شکل اشکال بگیرید و بگویید که وزارت بهداشت، موارد تهدید سلامت را اعلام کند، مشروط به اینکه این موارد، واقعاً راه رفع تهدیدش، منع بارداری کلی باشد. یعنی اگر بشود با عدم بارداری موقت، مشکل تهدید سلامت را حل کرد، مثلاً با استفاده از همین راه‌هایی که حاملگی را برای یک بار، دو بار یا سه بار، موقتاً مانع می‌شود، ولی شخص را عقیم نمی‌کند، در این موارد عقیم کردن دائمی جایز نیست. یعنی باید بگوییم که این تبصره، مبهم

است و از این جهات، ابهام دارد؛ باید مشخص شود که این موارد تهدید سلامت چیست و دامنه‌اش تا کجاست.

آقای علیزاده - و ضوابطش چیست.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، باید بگویند که ضوابطش چیست، شرایطش چیست. اشکالمان را باید بر روی تبصره ببریم؛ چون اصل ماده، اشکالی ندارد و در راستای همان سیاست‌ها است. همان‌طور که آقای ره‌پیک هم فرمودند این تبصره است که دست دکترها را باز می‌کند. این تبصره کار را خراب کرده است. ما بیایم به تبصره اشکال بگیریم و بگوییم ابهام دارد؛ حداقل بگوییم ابهام دارد و مقصودتان از آن چیست، تا این مصوبه به مجلس برگردد و موضوع این تبصره را محدود کنند. اگر تبصره را محدود کنند، اشکال رفع شود.

آقای جنتی - نه، ما اصلاً می‌توانیم اشکالمان را به این صورت مطرح کنیم که اصلاً چرا تعیین موارد تهدید سلامت را به وزارت بهداشت داده‌اند. این را باید خود مجلس و با تصویب قانون تعیین کند.

آقای علیزاده - می‌گوییم که مجلس شرایط آن را تعیین کند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، شرایط آن را تعیین کنند.

آقای ره‌پیک - برای این موضوع، باید ضوابط قانونی وجود داشته باشد.

آقای مدرسی یزدی - در واقع، من خودم وقتی که ابتدائاً این تبصره را خواندم، از عبارت «تهدید سلامت» به مناسبت موضوع و واگذاری تعیین موارد آن به وزارت بهداشت و درمان، برداشتم این بود که منظورش سلامت جسمی یا فوق‌فوقش سلامت روانی - جسمی است و آلاً اینکه از لحاظ اقتصادی یا مثلاً آموزشی یا از لحاظ یک امری که اصلاً ارتباطی با وزارت بهداشت ندارد، برای شخص مشکل پیدا می‌شود، آن وقت اینها هم جزء موارد تهدید سلامت باشد، چنین چیزی از این تبصره استفاده نمی‌شود.

آقای علیزاده - موارد تهدید سلامتی را می‌گوید.

آقای مدرسی یزدی - نُب، سلامت چیست؟

آقای ابراهیمیان - اینها طبق ترم‌های بین‌المللی، سلامت را این قدر گسترده تعریف می‌کنند.

آقای مدرسی یزدی - اشتباه است.

آقای ابراهیمیان - بله، برای همین، این تبصره ایراد دارد.

آقای ره‌پیک - تعیین این موارد باید ضابطه‌مند بشود؛ «قانون» باید اینها را مشخص کند.

آقای رهپیک - حالا ما اشکال قانونی به این تبصره می‌گیریم. این مصوبه، یک ممنوعیتی درست کرده و تعیین استثنای آن را به کس دیگری واگذار کرده است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، آن را هم به صورت مطلق واگذار کرده است.

آقای مدرسی یزدی - چه عیبی دارد؟

آقای رهپیک - موارد استثنا را هم باید «قانون» بگوید.

آقای مدرسی یزدی - موارد استثنای آن، واقعاً مربوط به «قانون» نیست.

آقای رهپیک - یعنی شما می‌گویید عمل جراحی قانوناً ممنوع است، مگر اینکه زید بگوید!

آقای مدرسی یزدی - ضابطه دارد؛ در تبصره‌ی ماده (۱) ضابطه‌اش را گفته است: «موارد تهدید سلامت».

آقای علیزاده - مجلس هم گفته که وزارت بهداشت، این موارد را تعیین کند.

آقای مدرسی یزدی - خب ممکن است وزارت بهداشت در تعیین این موارد خطا کند.

آقای علیزاده - خب بله، ما هم می‌گوییم این مسئولیت را به وزارت بهداشت ندهید تا خطا نکند.

آقای مدرسی یزدی - خب، پس بنابراین، این دیگر ابهام نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - عجب!

آقای علیزاده - چون در تبصره‌ی ماده (۱)، مقصود از تهدید سلامت و ضوابط و شرایط آن روشن نیست، ابهام دارد.

آقای مدرسی یزدی - اگر شما می‌خواهید به ابهام رأی بدهید، بدهید.

آقای رهپیک - ضوابط قانونی موارد تهدید سلامت را باید در «قانون» تعیین کنند.

آقای علیزاده - وقتی در اینجا می‌گوید موارد تهدید سلامت را وزارت بهداشت تعیین کند، یعنی ضوابط این موضوع روشن نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - باید ضوابط، قانونی باشد.

آقای رهپیک - ضوابط قانونی را مجلس باید بنویسد.

آقای مدرسی یزدی - اینجا گفته شده «موارد تهدید سلامت»؛ خب معلوم است که این موضوع، کار کارشناسی می‌خواهد.

یعنی چه که می‌فرمایید این موضوع باید قانونی باشد؟!

آقای رهپیک - نه، تبصره دارد می‌گوید ضوابط موارد تهدید

آقای مدرسی یزدی - خب، من واقعاً از لحاظ درک استظهاری شبهه‌ای نسبت به معنای این تبصره نداشتم. مقصود از سلامت، همین‌هایی است که عرض کردم.

آقای رهپیک - نه، این عبارت «تهدید سلامت»، مفهوم عرفی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - چرا؛ مفهوم عرفی دارد، منتهای مراتب وزارت بهداشت در آن دفترچه‌ای که درست کرده است، این حرف‌ها را در آنجا زده است [و موارد تهدید سلامت را تا این حد، موسع تعریف کرده است]. خب، وزارت بهداشت، خلاف عمل کرده است.

آقای رهپیک - این عبارت «تهدید سلامت» برای وزارت بهداشت، مفهوم ضابطه‌ای دارد.

آقای علیزاده - الآن این مصوبه دارد به همان وزارت بهداشت اختیار می‌دهد [که موارد تهدید سلامت را تعیین کند].

آقای مدرسی یزدی - وزارت بهداشت، خلاف قانون عمل کرده است. حالا باید این‌طوری بگوییم که آیا مقصودتان از

موارد تهدید سلامت، همین چیزی است که الآن وزارت بهداشت اعلام می‌کند یا آن چیزی است که از لحاظ لغوی از

این عبارت فهمیده می‌شود؟ اگر مقصودشان آن چیزی است که الآن وزارت بهداشت اعلام می‌کند، خب این، غلط است، ولی

اگر مقصودشان چیزی است که از لحاظ لغوی استظهار می‌شود، اشکالی ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - پس این تبصره ابهام دارد.

آقای مدرسی یزدی - حالا با این سؤال، نکته‌اش معلوم می‌شود، و آلا من بینی و بین الله ابهامی در این تبصره نمی‌بینم.

آقای هاشمی شاهرودی - حالا بینی و بین الله ابهام که دارد.

آقای مدرسی یزدی - نه، ابهام ندارد. ما فقط باید این تبصره را درست کنیم.

آقای هاشمی شاهرودی - این چه بحثی است می‌کنید؟!

آقای مدرسی یزدی - خب ما داریم برای این تبصره، یک ابهام تحمیل می‌کنیم.

آقای هاشمی شاهرودی - نه.

آقای مدرسی یزدی - ابهام ندارد دیگر.

آقای هاشمی شاهرودی - اینها همه دارند به شما می‌گویند [که مقصود این تبصره، چیست].

آقای مدرسی یزدی - نه، قبل از اینکه ایشان [= آقای رهپیک] توضیح بدهند، چه کسی این حرف را می‌زد [و این برداشت را

از این تبصره داشت]؟

سلامت را وزارت بهداشت تعیین کند.

آقای علیزاده - ما بگوئیم وزارت بهداشت نمی‌تواند این ضوابط را تعیین کند. ضوابط را مجلس باید تعیین کند. ما نسبت به تعیین ضوابط ایراد می‌گیریم.

آقای ابراهیمیان - بعضی از ضوابط، موضوعی است، مثل تعیین بیماری‌ها؛ اما بعضی از زمان‌ها، مقصود ما یک ضوابط کلی‌تری است که اولاً سلامتِ شخص را به خطر می‌اندازد ...

آقای مدرسی یزدی - خب در تبصره دارد می‌گوید «موارد تهدید سلامت».

آقای ابراهیمیان - این کم است؛ باید این موضوع را یک‌خُرده، ریزش کنند.

آقای رهپیک - نه، مثلاً باید بگوید خطر جانی دارد.

آقای مدرسی یزدی - خُب، اینکه معلوم است. معنای سلامت همین است. وقتی می‌گویند فلانی سالم است یا نه، معنایش همین است، نه اینکه پول، زیاد دارد یا کم دارد.

آقای رهپیک - الآن وزارت بهداشت می‌گوید بارداری برای افراد بالای (۳۵) سال، خطر دارد.

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که نسبت به این موضوع ابهام دارند و می‌گویند مقصود از تهدید سلامت و ضوابط و شرایط آن در این تبصره روشن نیست و باید روشن بشود، رأی بدهند.^۱

آقای ابراهیمیان - به نظرم، خود همین ماده (۱) هم ایراد قانون اساسی دارد. ما اگر بپذیریم که شرعاً یک جایی حق جلوگیری دائمی از بارداری وجود دارد، دیگر نمی‌توانیم اعمال این حق را محدود بکنیم.

آقای مدرسی یزدی - چرا نمی‌توانیم؟

آقای ابراهیمیان - چون دلیل می‌خواهد، معیار می‌خواهد. چرا شما می‌خواهید محدودش کنید؟

آقای مدرسی یزدی - آیا شما حق دارید که در زمین خود ساختمان بسازی یا نه؟

آقای ابراهیمیان - آن هم معیار دارد.

آقای مدرسی یزدی - در این مورد هم معیار وجود دارد.

آقای ابراهیمیان - نه، در اینجا معیاری وجود ندارد. شما اگر بخواهید طبق فتاوی‌ای مراجع عمل کنید، ما فتوای بسیاری در

این زمینه داریم. چند سال پیش شما بزرگواران کمک کردید تا اینها به تصویب برسد. تمام مسائل مربوط به کنترل جمعیت را اول رفتند و فتوای جوازش را گرفتند و بعد آن را اجرا کردند؛ مثل همین فتوایی که حاج آقا [= آقای شب‌زنده‌دار] به آن استناد کردند.

آقای مدرسی یزدی - در آن فتواها که نگفته‌اند پیشگیری از بارداری واجب است؛ گفته‌اند که شخص می‌تواند از بارداری جلوگیری کند؛ چون خلاف شرع که نبود.

آقای ابراهیمیان - نظر من این است که خود ماده (۱) هم اشکال دارد؛ یعنی آن استثنایی که در فتوا آمده، باید در ماده (۱) ساماندهی بشود و آلا اگر به طور مطلق باشد، به نظر من با قانون اساسی هم مغایرت دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - اولاً آن فتوا، مربوط به حکم مسئله، فی‌نفسه است. ثانیاً جلوگیری از بارداری از راه‌های دیگری هم ممکن است؛ لذا به این ماده (۱) دست نزنید.

آقای مدرسی یزدی - شما خودتان به این مسائل آشنا هستید؛ واقعاً در بعضی از استان‌های ما، انفجار جمعیتی وجود دارد، در حالی که امکاناتش هم به اندازه‌ی بقیه‌ی استان‌ها نیست. بعضی از استان‌های ما، امکانات و استعداد‌های اقتصادی و طبیعی‌اش زیاد است و جمعیتش خیلی کم است. خُب، باید این را ساماندهی بکنند.

آقای ابراهیمیان - معیارهای دیگری [جز امکانات اقتصادی نیز وجود دارد].

آقای علیزاده - مجلس باید این مصوبه را به نحو جامع بررسی و تدوین کند.

آقای رهپیک - بله، این خوب است.

آقای یزدی - باید بنویسید که این مصوبه، ناقص است و باید کامل‌تر بشود.

آقای علیزاده - ببینید؛ در آخر یا اول نظرمان این‌گونه می‌نویسیم که این ماده، در راستای سیاست‌های کلی جمعیت که توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شده است، نیست.

آقای مدرسی یزدی - بنویسید که این مصوبه برای تحقق سیاست‌های کلی جمعیت کافی نیست.

آقای رهپیک - بله، کافی نیست.

آقای علیزاده - بله، می‌گوییم این مصوبه را باید با در نظر گرفتن سیاست‌های کلی جمعیت، به طور جامع تصویب کنید.

آقای رهپیک - بنویسید این مصوبه با توجه به عنوان آن، [چنین

۱. بند (۱) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۸۲۲ مورخ ۱۳۹۳/۶/۱ شورای نگهبان: «۱- در تبصره ماده (۱)، چون مقصود از تهدید سلامت و ضوابط و شرایط آن روشن نیست، پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»

آقای شب‌زنده‌دار - اگر صدر ماده، فقط درباره‌ی پزشکان بود، لازم نبود این موضوع دوباره در ذیل ماده هم بیاید.

آقای هاشمی شاهرودی - چرا؛ در این ذیل، می‌خواهد جرمش را مشخص کند. عجب حرفی است!

آقای ره‌پیک - اتفاقاً برای همین آورده که بگوید مقصود از صدر ماده، فقط پزشکان هستند و الاً صرف حرمت تکلیفی این فعل را که نمی‌خواهد بگوید.

آقای شب‌زنده‌دار - اگر مقصود صدر ماده، فقط پزشکان بود لازم نبود که ذیل ماده، چیزی اضافه کند.

آقای ره‌پیک - این ماده که نمی‌خواهد فقط حرمت تکلیفی این کار را بگوید؛ نمی‌خواهد بگوید که این عمل فقط ممنوع است [بلکه می‌خواهد علاوه بر حکم ممنوعیت، ضمانت اجرای قانونی متخلف را هم بیان کند].

آقای علیزاده - اگر منظور، طرفین بود می‌گفت که انجام عمل جراحی، برای هر دو طرف مجازات دارد؛ نمی‌گفت که فقط برای پزشکان مجازات دارد.

منشی جلسه - «ماده ۲- هرگونه تبلیغ در خصوص پیشگیری از بارداری و کاهش فرزندآوری، در کلیه رسانه‌ها ممنوع است. رسانه متخلف، متناسب با عمل ارتكابی و تکرار آن، به مجازات‌های مندرج در ماده (۳۵) قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۲ محکوم می‌شود.»

آقای علیزاده - آقایان [اعضای مجمع مشورتی حقوقی] می‌گویند که این ماده نیاز به اصلاح دارد.^۲

۱. ماده (۳۵) قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۲ مجلس شورای اسلامی (الحاقی ۱۳۷۹/۱/۳۰): «ماده ۳۵- تخلف از مقررات این قانون جرم است و چنانچه در قانون مجازات اسلامی و این قانون برای آن مجازات تعیین نشده باشد، متخلف به یکی از مجازات‌های ذیل محکوم می‌شود:

الف- جزای نقدی از یک میلیون (۱,۰۰۰,۰۰۰) تا بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

ب- تعطیل نشریه حداکثر تا شش ماه در مورد روزنامه‌ها و حداکثر تا یک سال در مورد سایر نشریات.

تبصره- دادگاه می‌تواند در جرائم مطبوعاتی، مجازات حبس و شلاق را به یکی از مجازات‌های ذیل تبدیل نماید:

الف- جزای نقدی از دو میلیون (۲,۰۰۰,۰۰۰) تا پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

ب- تعطیل نشریه حداکثر تا شش ماه در مورد روزنامه‌ها و تا یک سال در مورد سایر نشریات

ج- محرومیت از مسئولیت‌های مطبوعاتی حداکثر تا پنج سال.»

۲. «تذکر: با توجه به اینکه ماده (۳۵) قانون مطبوعات در جریان اصلاحات این قانون و در تاریخ ۱۳۷۹/۱/۳۰ تصویب و به متن قانون مورد اشاره

ایرادی دارد]. حالا در این مورد، با هم مشورت می‌کنیم. بگذارید مصوبه را تا آخر بررسی کنیم.

آقای هاشمی شاهرودی - ماده به ماده بخوانیم، تا آخر سر، یک ایراد کلی بگیریم.

آقای ره‌پیک - ماده (۲) مصوبه را بخوانیم.

آقای شب‌زنده‌دار - ماده (۱) که می‌گوید انجام این عمل جراحی ممنوع است، یعنی هم برای جراحان و پزشکان ممنوع است و هم برای آن شخصی که جراحی می‌شود. دلیلش هم این است که در انتهای ماده می‌گوید: «عدم رعایت این حکم توسط شاغلین حرف پزشکی، تخلف محسوب می‌شود». اگر منظور از سطر اول ماده، فقط پزشکان بود، دیگر ذکر این موضوع لازم نبود و فقط می‌گفت این کار، تخلف است.

آقای ره‌پیک - اتفاقاً این موضوع، قرینه‌ای است بر اینکه این ممنوعیت فقط برای پزشکان است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، این عبارت، قرینه است بر اینکه این ممنوعیت برای خود شخص تخلف نیست.

آقای شب‌زنده‌دار - نه، تخلف برای ممنوعیت است، اما تخلفی که [در اینجا گفته، تنها برای پزشکان نیست].

آقای ره‌پیک - خُب ضمانتش چیست؟ نمی‌شود که برای افراد، تخلف بدون ضمانت اجرا در قانون بنویسند.

آقای هاشمی شاهرودی - مقصود همین است دیگر.

آقای مدرسی یزدی - چرا؟

آقای ره‌پیک - وقتی در قانون بگویند عملی ممنوع است، ضمانت اجرای آن را هم مشخص می‌کنند.

آقای شب‌زنده‌دار - یعنی می‌فرمایید این خانمی که آمده عمل جراحی انجام داده است را مجازات نمی‌کنند و فقط همان پزشک متخلف را مجازات می‌کنند؟! این ممنوعیت، عام است. اگر مقصود صدر ماده، فقط دکترها بود، خُب می‌گفت عدم رعایت این حکم، تخلف است.

آقای هاشمی شاهرودی - منظور از عمل جراحی، عمل طیب است، نه عمل شخص مراجعه‌کننده به پزشک.

آقای شب‌زنده‌دار - نه، چرا؟ این شخص هم جراحی می‌کند.

آقای هاشمی شاهرودی - این شخص، توسط پزشک جراحی شده است. ضمن اینکه در ذیل ماده هم قرینه آورده است و می‌گوید که انجام آن عمل، این مجازات را دارد. بنابراین، این ممنوعیت مخصوص به همین کسی است که در ذیل ماده به مجازات آن اشاره شده است.

آقای ابراهیمیان - ظاهراً اشتباه نوشته‌اند.

آقای رهپیک - منتها الآن بیشترین تبلیغ [برای پیشگیری از بارداری] در دفاتر بهداشت انجام می‌شود و پوسترها و بنرها و ... در این دفاتر وجود دارد.

آقای اسماعیلی - اینها را دیگر جمع کرده‌اند.

آقای رهپیک - نه.

آقای ابراهیمیان - رسانه به معنای چیز نیست.

آقای رهپیک - رسانه‌ی واقعی، همین دفاتر بهداشتی است، منتها منافاتی ندارد.

منشی جلسه - تذکر بدهیم؟

آقای مؤمن - [در مورد اشاره به قانون مطبوعات هم، باید به انتهای عنوان قانون اضافه کنند] و اصلاحات و الحاقات بعدی آن.^۱

منشی جلسه - «ماده ۳- موارد آموزشی و ضروری در راستای حفظ سلامت والدین و کودک، از شمول این قانون مستثنی است. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است مصادیق این ماده و تبصره ماده (۱) را ظرف مدت سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، تدوین و ابلاغ کند.»

آقای رهپیک - همان اشکال قبلی که به تبصره‌ی ماده (۱) وجود داشت، در اینجا هم وجود دارد. این اشکال را اینجا هم باید بگیریم. باید بگوییم تعیین این «موارد ضروری و استثنایی» باید ضابطه‌مند بشود.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای جنتی - اگر بشود که تعیین این موارد را به مجلس واگذار بکنیم، خیلی بهتر است؛ چون آنجا با دقت بیشتری عمل می‌کنند. بعضی از این مسائل، خیلی مهم است.

آقای رهپیک - این ماده، تقریباً شبیه همان تبصره‌ی ماده (۱) است. در اینجا هم می‌گوید مواردی که برای حفظ سلامت والدین و کودک است، استثناً محسوب می‌شود که دوباره تعیین ضابطه‌اش را به وزارت بهداشت واگذار کرده است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای مدرسی یزدی - خُب، واقعیت این است که معنای «ضروری» روشن است، منتها باید چیز باشد.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، «موارد آموزشی»، به صورت مطلق آمده است.

آقای رهپیک - «موارد آموزشی» با «ضروری» فرق دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، در اینجا گفته است «موارد آموزشی و ضروری».

آقای رهپیک - چه اشکالی دارد که به مجلس بگوییم این موارد را ضابطه‌مند کند؟

آقای هاشمی شاهرودی - همه‌جا زود می‌گویند من نمی‌توانم بیشتر از این آموزش بدهم!

آقای رهپیک - بله، همین کار را می‌کنند.

آقای هاشمی شاهرودی - یا اینکه می‌گویند پول ندارم تا فرزندم را به مدرسه بفرستم! اینها باید ضوابط قانونی داشته باشد و آلاً درست نیست. ضوابط قانونی موارد آموزشی و ضروری مبهم است و باید در قانون روشن شود.

آقای جنتی - این موارد باید در «قانون» ذکر بشود؛ تعیین این موارد «قانون» می‌خواهد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، در «قانون» بایستی روشن شود.

آقای علیزاده - ما الآن بگوییم که خلاف اصل (۸۵) قانون اساسی است؟

آقای هاشمی شاهرودی - بله، خوب است.

آقای جنتی - بله، خوب است.

آقای علیزاده - ما بگوییم ضوابط باید توسط مجلس تعیین شود؛ چون این ماده ابهامی ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای علیزاده - پس این‌طوری می‌نویسیم: «نظر به اینکه ضوابط مربوط به موارد آموزشی و ضروری در این مصوبه مشخص نگردیده، خلاف اصل (۸۵) قانون اساسی است.»

آقای جنتی - نه دیگر، شما که با این عبارت دارید ابهام می‌گیرید.

آقای هاشمی شاهرودی - بگویید خلاف اصل (۸۵) است.

آقای علیزاده - بله، نوشتیم خلاف اصل (۸۵) قانون اساسی است. گفتیم این موارد آموزشی و ضروری باید توسط مجلس تعیین شود. آقایانی که این ماده را خلاف اصل (۸۵) قانون اساسی

می‌دانند، رأی بدهند. بله، ماده (۳) خلاف اصل (۸۵) است.

آقای مدرسی یزدی - این، واقعاً مشکل است؛ تعیین این موارد

→

الحاق شده است، لازم است تا عبارت «در ماده (۳۵) قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۲» اصلاح شود.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۵۰۲۱ مورخ ۱۳۹۳/۵/۲۸، صص ۴-۵، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/CBtpD

۱. تذکر مندرج در نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۸۲۲ مورخ ۱۳۹۳/۶/۱ شورای نگهبان: «تذکر: در ماده (۲)، از آنجا که قانون مطبوعات در سال ۱۳۷۹ اصلاح گردیده است، لازم است عبارت اصلاح گردد.»

را که نمی‌شود به وزارت بهداشت واگذار کرد.

آقای عزیززاده - یا می‌توانیم بگوییم که چون تعیین ضوابط قانونی در این ماده به وزارت بهداشت محول شده، ایراد دارد.

آقای ابراهیمیان - شما در عبارتی که برای اشکال نوشتید، تأکید اصلی را بر عبارت «موارد آموزشی و ضروری» بردید.

آقای سوادکوهی - موارد آموزشی، یک مسئله‌ی جداست.

آقای ابراهیمیان - نه، موارد ضروری هم در آن قسمت دوم ماده اشکال دارد. این اشکال به همان اشکال اولی که در تبصره ماده (۱) گرفتیم برمی‌گردد.

آقای ره‌پیک - خوب است.

آقای ابراهیمیان - ما باید اشکال را به همان اشکال اولیه‌مان برگردانیم. شما در عبارت اشکالی که نوشتید بر روی ضابطه‌مندی موارد آموزشی و ضروری تأکید کردید، در صورتی که باید بر روی موضوع «در راستای حفظ سلامت والدین و کودک» تأکید کنید. این است که مشکل است و آلا ما با ضابطه‌ی موارد آموزشی و ضروری که مشکل نداریم.

آقای عزیززاده - ما تمام اینها را می‌گوییم.

آقای ره‌پیک - همان است دیگر. طبق این ماده، وزارت بهداشت می‌گوید در این موارد، آموزش لازم است. پس این مطلب را هم در اشکال باید بگویند.

آقای عزیززاده - ما می‌گوییم اینها را تعیین کنید که چیست.^۱

منشی جلسه - «ماده ۴ - وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف است مدیریت برنامه سلامت باروری و فرزندآوری را در راستای بند (۴) سیاست‌های کلی جمعیت، ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری استمرار دهد و آن را بهبود بخشد.»

آقای ره‌پیک - این ماده هم یک ابهام دارد. ابهامش این است که این برنامه‌ی سلامت باروری و فرزندآوری، یک برنامه است؛ یعنی در اینجا مقصود، مفهوم عمومی‌اش نیست و در واقع، به آن برنامه‌هایی اشاره می‌کند که وزارت بهداشت تدوین کرده است. اگر مقصود این باشد، همین برنامه‌های پیشگیری و محدودسازی است که وزارت بهداشت دارد. حالا این ماده گفته است که آن برنامه‌ها را در راستای سیاست‌های ابلاغی جمعیت استمرار دهید.

۱. بند (۳) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۸۲۲ مورخ ۱۳۹۳/۶/۱ شورای نگهبان: «۳- در ماده (۳)، نظر به اینکه تعیین ضوابط مربوط به «موارد آموزشی و ضروری در راستای حفظ سلامت والدین و کودک» به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی واگذار شده است، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی شناخته شد.»

آقای مدرس‌ی یزدی - و بهبود بخشید.

آقای ره‌پیک - بله، در صورتی که این ماده باید بگوید که مثلاً این برنامه‌ها را تغییر دهید یا اصلاح کنید.

آقای عزیززاده - من بند (۴) سیاست‌های کلی جمعیت را می‌خوانم، اما موضوع این بند، تنها به وزارت بهداشت ارتباط پیدا نمی‌کند.

آقای ره‌پیک - بله، این بند، دامنه‌اش موسع‌تر است.

آقای عزیززاده - «۴- تحکیم بنیان و پایداری خانواده با اصلاح و تکمیل آموزش‌های عمومی درباره اصلت کانون خانواده و فرزندپروری و با تأکید بر آموزش مهارت‌های زندگی و ارتباطی و ارائه خدمات مشاوره‌ای بر مبنای فرهنگ و ارزش‌های اسلامی - ایرانی و توسعه و تقویت نظام تأمین اجتماعی، خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی در جهت سلامت باروری و فرزندآوری.»

آقای ره‌پیک - آن برداشتی که اینها [= وزارت بهداشت] از این بند از سیاست‌های کلی جمعیت کرده‌اند، این است که همین برنامه‌ی محدودسازی برای بنیان خانواده و تأمین اجتماعی خوب است.

آقای ابراهیمیان - یک وقت هست می‌دانیم که این برنامه‌ی سلامت باروری و فرزندآوری، در واقع یک برنامه‌ی مشخص و معین است ...

آقای ره‌پیک - الآن وزارت بهداشت، برنامه‌هایی دارد که اسمش همین است؛ «فرزند سالم»، «سلامت باروری» و ...

آقای ابراهیمیان - حالا عرض من این است که مجلس به وزارت بهداشت گفته است شما مدیریت سلامت و باروری را در راستای بند (۴) سیاست‌های کلی جمعیت استمرار بدهید و بهبود ببخشید. این، یعنی موضوع ماده (۴)، مدیریت آن برنامه‌هاست، ولی خود برنامه‌ها باید در راستای بند (۴) سیاست‌های کلی جمعیت تنظیم شود. بنابراین، من فکر می‌کنم که این عنوان، یک عنوان کلی است و با این نحوه‌ی انشاء، به یک برنامه‌ی خاص اشاره ندارد. در واقع، می‌گوید شما مدیریتتان را بر اساس برنامه‌ای که در راستای بند (۴) سیاست‌های کلی جمعیت است، استمرار بدهید.

آقای ره‌پیک - توجه داشته باشید که الآن، آن برنامه‌ی باروری سالم که تا کنون در وزارت بهداشت در حال اجرا بوده است، تا سال ۱۳۹۶ تداوم دارد.

آقای یزدی - در اینجا عبارت «در راستای ...» آمده است؛ می‌گوید «در راستای سیاست‌های کلی جمعیت».

در بند (۴) ماده (۶۸) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ حذف می‌شوند و قانون تنظیم خانواده و جمعیت مصوب ۱۳۷۲/۲/۲۶ و قانون اصلاح قانون تنظیم خانواده و جمعیت مصوب ۱۳۸۸/۲/۲۲ و تبصره ماده (۷) قانون تأمین خدمات درمانی مستخدمین دولت مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۲۷ نسخ می‌شود.»

آقای عزیززاده - اگر اجازه بفرمایید به نظر من، بهتر است که در مقدمه‌ی نامه‌مان به مجلس چنین مضمونی را بنویسیم: «با توجه

→

و حق اولاد به ازای هر فرزند (حداکثر تا سه فرزند) معادل صد درصد (۱۰۰٪) حداقل حقوق مبنای جدول مذکور، پرداخت می‌گردد.»
۲. بند (۴) ماده (۶۸) قانون مدیریت خدمات کشوری، مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ کمیسیون مشترک رسیدگی به لایحه مدیریت خدمات کشوری مجلس شورای اسلامی: «ماده ۶۸- علاوه بر پرداخت‌های موضوع ماده (۶۵) و تبصره‌های آن و ماده (۶۶) که حقوق ثابت تلقی می‌گردد، فوق‌العاده‌هایی به شرح زیر به کارمندان قابل پرداخت می‌باشد:
۱- ...

۴- کمک‌هزینه عائله‌مندی و اولاد، به کارمندان مرد شاغل و بازنشسته و وظیفه‌بگیر مشمول این قانون که دارای همسر می‌باشند، معادل (۸۰۰) امتیاز و برای هر فرزند معادل (۲۰۰) امتیاز. حداکثر سن برای اولادی که از مزایای این بند استفاده می‌کنند، به شرط ادامه تحصیل و نیز غیرشاغل بودن فرزند، (۲۵) سال تمام و نداشتن شوهر برای اولاد اناث خواهد بود. کارمندان زن شاغل و بازنشسته و وظیفه‌بگیر مشمول این قانون که دارای همسر نبوده و یا همسر آنان معلول و یا از کارافتاده کلی می‌باشد و یا خود به تنهایی متکفل مخارج فرزندان هستند، از مزایای کمک‌هزینه عائله‌مندی موضوع این بند بهره‌مند می‌شوند. فرزندان معلول و از کارافتاده کلی، به تشخیص مراجع پزشکی ذی‌ربط مشمول محدودیت سقف سنی مزبور نمی‌باشند.»

۳. تبصره ماده (۷) قانون تأمین خدمات درمانی مستخدمین دولت مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۲۷ مجلس شورای ملی: «ماده ۷- قسمتی از حق تأمین درمان مشمولین ماده یک، از طرف دولت پرداخت و قسمت دیگر از حقوق و مزایای نقدی مستمر ماهانه آنان کسر می‌گردد. مشمولین فوق بابت حق تأمین درمان خود و همسر و فرزندان‌شان به نسبت میزان حقوق و مزایای نقدی مستمر دریافتی ماهانه و یا حقوق وظیفه و مستمری خود به چهار گروه تقسیم می‌شوند:

گروه اول یک‌چهارم، گروه دوم یک‌سوم، گروه سوم یک‌دوم و گروه چهارم سه‌چهارم از حق تأمین را می‌پردازند و مبلغ پرداختی آنان در هر حال، نباید از چهار درصد حقوق و مزایای نقدی مستمر دریافتی ماهانه و یا مستمری و وظیفه آنان تجاوز نماید. پرداخت بقیه به عهده دولت است. تعیین گروه‌های مذکور به پیشنهاد شورای فنی و تصویب مجمع عمومی خواهد بود.

تبصره- حق تأمین درمان فرزندان مازاد بر سه فرزند که پس از (۹) ماه از تاریخ تصویب این قانون متولد شوند، کلاً به عهده استفاده‌کننده خواهد بود و دولت سهمی از این بابت پرداخت نخواهد کرد.»

آقای ابراهیمیان - یعنی وزارت بهداشت باید این برنامه‌ها را بدلش کند و سپس آن را مدیریت کند.

آقای یزدی - این، اختصاص به برنامه‌های قبلی ندارد؛ یعنی ممکن است بعضی از این برنامه‌های قبلی در راستای سیاست‌های کلی جمعیت باشد و بعضی‌هایش هم نباشد، اما به هر حال، باید سیاست‌های کلی جمعیت در آنها رعایت بشود. بنابراین، معنای این ماده این است که باید این کارها را بکنند.

آقای عزیززاده - این قسمت، مربوط به سلامت باروری است. نه، این ماده ایراد ندارد.

آقای یزدی - یعنی این مسئله، به کلی باید در برنامه‌ها رعایت بشود.

آقای عزیززاده - ما یک ایراد کلی در خصوص رعایت سیاست‌های کلی جمعیت می‌نویسیم. الان، این ماده اشکالی ندارد؛ چون در مورد سلامت باروری است.

منشی جلسه - «ماده ۵- از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، عبارت «حداکثر تا سه فرزند» در بند (۲) و تبصره (۳) ماده (۹) قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳ با اصلاحات و الحاقات بعدی آن^۱ و عبارت «حداکثر سه فرزند»

۱. بند (۲) و تبصره (۳) ماده (۹) قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳ مجلس شورای اسلامی با اصلاحات و الحاقات بعدی: «ماده ۹- کمک‌هزینه عائله‌مندی و اولاد مستخدمین مشمول قانون استخدام کشوری و این قانون به شرح زیر قابل پرداخت است:
۱- ...

۲- به هر یک از مستخدمین مرد شاغل و بازنشسته و وظیفه و مستمری‌بگیر مشمول این قانون که دارای فرزند تا سن (۲۰) سال هستند، به ازای هر فرزند (حداکثر تا سه فرزند) ماهیانه معادل چهارده درصد (۱۴٪) حداقل حقوق مبنای جدول موضوع ماده (۱) این قانون، به عنوان کمک‌هزینه اولاد.

فرزندان مستخدمین متوفی مشمول این قانون که کمتر از (۲۰) سال سن دارند، مشمول کمک مزبور خواهند بود. حداکثر سن برای اولادی که از مزایای این ماده استفاده می‌کنند، به شرط ادامه تحصیل و ارائه گواهی مربوط، (۲۵) سال تمام برای اولاد ذکور و زمان ازدواج برای اولاد اناث خواهد بود. به مستخدمان یادشده، همچنین مستخدمان متوفی که فرزند آنان معلول بوده و قادر به کار نباشند، کمک‌هزینه اولاد بدون لحاظ شرایط پیش‌بینی شده قابل پرداخت است.

تبصره ۱- ...

تبصره ۳ - کمک‌هزینه عائله‌مندی و اولاد برای بازنشستگان کشوری و لشکری که دارای شصت سال سن و بیشتر باشند و مستخدمین از کارافتاده (بدون شرط سنی)، علاوه بر میزان مقرر دریافتی مطابق قانون، ماهانه کمک‌هزینه عائله‌مندی معادل سیصد و شصت درصد (۳۶۰٪) حداقل حقوق مبنای جدول ماده (۱) قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت

←

بکنیم، یعنی آن چیزهایی که استثنا است و ضرورت دارد، در حد ضرورت بگوییم. واقعاً اصل در همه‌ی قضایا، اسلام است. خُب همان‌طور که اسلام گفته، باید عمل شود. واقعاً بعضی‌ها در آن قضیه‌ی کنترل جمعیت و اولاد نداشتن، افراط کردند.

آقای یزدی - آن موقع، افرادی که مخالف افزایش جمعیت بودند و می‌گفتند که رشد جمعیت را باید محدود کرد کم نبودند. من خودم از کسانی بودم که با رشد جمعیت مخالف بودم و می‌گفتم که وقتی الآن مدارس ما سه شیفته است، تعلیم و تربیت درستی داده نمی‌شود، مواد غذایی کافی ندارید، پزشکستان پزشک بنگلادشی است، چنین است و چنان است، می‌بایست رشد جمعیت همراه با رشد سایر لوازم و نیازمندی‌ها باشد. امروز بحمدالله مدرسه‌سازی در کشور بسیار رشد کرده است و بر خلاف گذشته که مدرسه‌ها سه شیفته و دوشیفته بود، الآن مدرسه‌ی دوشیفته هم نداریم. البته شاید در بعضی جاها هنوز هم مدارس دوشیفته وجود داشته باشد، ولی در هیچ‌جا، دیگر مدرسه‌ی سه شیفته وجود ندارد. ولی آن موقع خیلی زیاد بود. حتی خیلی از بچه‌ها نمی‌توانستند به مدرسه بروند، چون اصلاً مدرسه‌ای نبود. ولی الآن از نظر مدرسه، از نظر مواد غذایی، از نظر امکانات اقتصادی و سایر امکانات اصلاً قابل مقایسه با آن زمان نیست. آن زمان وضعیت طوری بود که اگر جمعیت هم کمتر بود، ولی باز هم امکانات نبود. الآن بحمدالله واقعاً کشور - به قول حضرت آقا- کشش جمعیتی خیلی بیش از این جمعیت فعلی را دارد. خُب، الآن چه اشکالی دارد که فرزندآوری ترویج بشود؟ بنابراین، اینکه شما می‌گویید کنترل جمعیت علی‌الاطلاق خلاف شرع است، من این را قبول ندارم. آن جمعیتی که به آن اباحه می‌شود و پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) به آن اباحه می‌فرمودند، جمعیتی است که محتاج یک عدد سبب زمینی نباشد.

آقای مدرسی یزدی - منظور من، این نبود.

آقای یزدی - منظور، آن جمعیتی نیست که برای غذایش محتاج هلال احمر باشد، محتاج یک عدد سبب زمینی و نان باشد. چون ما جمعیت‌های دیگری را هم دیدیم که این وضعیت را داشتند. منظور، آن جمعیتی است که هر یک نفرش می‌تواند به اندازه‌ی صد نفر تلاش و رشد داشته باشد. بنابراین، بحمدالله با شرایط امروز جامعه، شرایطی است که واقعاً نباید از افزایش جمعیت جلوگیری کرد. من این مطلب را قبول دارم. امروز بچه‌دارشدن، با توجه به شرایط فعلی، مانعی برای پدر و

به اینکه این مصوبه در بخش‌های مختلف، در جهت یا دربرگیرنده‌ی کلیه‌ی مواردی نیست که در سیاست‌های کلی جمعیت آمده است، این مصوبه به تنهایی نمی‌تواند سیاست‌های کلی جمعیت را تضمین و تأمین بکند. بنابراین شایسته است با توجه به سیاست‌های کلی جمعیت، یک قانون جامعی در این راستا تصویب گردد.» حالا عبارت دقیق آن را بعداً با آقای دکتر ره‌پیک تنظیم می‌کنیم. این را در مقدمه‌ی نظرمان می‌نویسیم و بعد می‌گوییم علاوه بر این مورد، این مصوبه اشکالات دیگری هم به شرح زیر دارد.

آقای جنتی - یک اشکالی هم ماده (۲) دارد که نباید از آن بگذریم. این ماده می‌گوید: «هرگونه تبلیغ در خصوص پیشگیری از بارداری ... در کلیه رسانه‌ها ممنوع است»، خُب همه‌ی تبلیغات که مختص رسانه نیست. آن شخصی که در کلاس دانشگاه تبلیغ می‌کند که مثلاً دخترها نباید باردار بشوند یا در غیر از دانشگاه و جاهای دیگر، همایش یا گردهمایی برگزار می‌کنند یا تریبونی هست که برخی افراد از آن طریق، تبلیغات می‌کنند و این افکار را می‌خواهند تزریق بکنند. چرا در این ماده، تبلیغات را فقط به رسانه‌ها اختصاص می‌دهد؟ به نظر من، اختصاص دادن تبلیغات به رسانه‌ها، خلاف شرع است.

آقای ابراهیمیان - اینکه تبلیغات در این زمینه از هزینه‌ی عمومی و در فضاهای عمومی و دولتی را ممنوع بکنیم، خوب است. اگر بگوییم به هیچ وجه نباید از هزینه‌ی عمومی، تبلیغی برای کاهش باروری و پیشگیری از بارداری بشود خوب است. **آقای مدرسی یزدی -** اصلاً می‌توان گفت این کار خلاف شرع است. تبلیغ کردن، تبلیغ مطلق برای جلوگیری از بارداری ممنوع است، چون خلاف شرع است. این کار، قطعاً خلاف سنت پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و خلاف برخی روایات است؛ فرموده‌اند: «أَكْثَرُوا الْوَلَدَ...»^۱ و امثال این روایات.

آقای جنتی - خلاف سیاست‌های کلی جمعیت هم هست.

آقای مدرسی یزدی - اصلاً این خلاف شرع است.

آقای علیزاده - کلمه‌ی رسانه در ماده (۲)، مفهوم دارد.

آقای مدرسی یزدی - یک چیزی هم من اینجا خدمت آقایان عرض بکنم. ما واقعاً باید در حرف‌هایمان یک‌مقدار رعایت

۱. «أَكْثَرُوا الْوَلَدَ أَكْثَرُ بَيْتِكُمْ الْأُمَّمَ غَدًا» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «اولاد خود را زیاد کنید تا من فردای قیامت، به کثرت وجود مسلمین مباحث کنم.» حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل‌الشیعه، ج ۱۵، ابواب «اولاد»، باب ۱.

کرد، ولی اگر یک عدد بنر چاپ کنند، ممنوع نیست.

آقای اسماعیلی - این ماده، مفهومی ندارد.

آقای یزدی - اختصاص این ماده به تبلیغات رسانه‌ها، محلّ اشکال است.

آقای علیزاده - چون تنها این وسیله را ممنوع کرده است، پس سایر وسایل تبلیغاتی ممنوع نیست؛ آنها جایز است.

آقای مدرسی یزدی - نه، سایر وسایل تبلیغاتی جایز نمی‌شود. واقعیت این است که این ماده، مفهوم ندارد؛ ابهام دارد.

آقای جنتی - در این ماده، استفاده از سایر وسایل تبلیغاتی را که منع نکرده‌اند، در صورتی که باید منع کنند.

آقای علیزاده - مفهوم آن، جواز سایر وسایل است.

آقای یزدی - بله، اختصاص تبلیغات به رسانه‌ها اشکال دارد. تبلیغات در غیر رسانه‌ها هم مثل همان است.

آقای جنتی - در این صورت، خلاف شرع و خلاف سیاست‌های کلی است.

آقای هاشمی ساهرودی - خلاف سیاست‌های کلی جمعیت است.

آقای جنتی - خلاف شرع هم هست.

آقای مدرسی یزدی - حالا در اینجا ایراد خلاف شرع، واقعاً مفهوم ندارد. بگذارید به همان خلاف سیاست‌های کلی جمعیت ایراد بگیرند.

آقای علیزاده - گفتیم که اختصاص ممنوعیت به رسانه‌ها، اشکال دارد؛ اینکه دیگر مفهوم دارد.

آقای مدرسی یزدی - اگر شما می‌خواهید مجلس قانون دیگری را تصویب کند، معنایش این نیست که این مصوبه مفهوم دارد. این، خلاف شرع نیست.

آقای جنتی - این ماده، منع تبلیغات را فقط به تبلیغات رسانه‌ها اختصاص داده است.

آقای مدرسی یزدی - اینجا بیان قضیه‌ی جزئی است، نه اینکه قضیه‌ی جزئی بخواهد مفهوم‌دار بشود. اگر می‌گوییم زید عالم است، معنایش این نیست که عمرو عالم نیست.

آقای جنتی - این با آن خیلی فرق می‌کند. اینجا در مقام قانون‌گذاری است.

آقای ره‌پیک - اگر معنای این ماده این باشد که مجلس در مقام بیان ممنوعیت تبلیغ می‌خواسته است فقط در این مصوبه این موضوع را بگوید و جای دیگر هم چیزی ذکر نمی‌شود، از این، یک گونه اختصاص فهمیده می‌شود.

مادر ایجاد نمی‌کند. حتی اگر از نظر مالی وضع یک خانواده خوب نباشد، وضع کشور خوب است؛ یعنی ولو خود آن خانواده هم نتواند فرزند خود را اداره کند، ولی کشور می‌تواند اداره کند، دولت می‌تواند اداره کند. اما در آن موقع، وضع کشور اصلاً خوب نبود. بنابراین، موضوع با تغییر وضعیت تفاوت می‌کند.

آقای سلیمی - بسم الله الرحمن الرحیم. این طرح، دو جهت دارد؛ یکی طرح افزایش نرخ باروری و دیگری پیشگیری از کاهش رشد جمعیت. به نظرم، عمده‌ی مواد این مصوبه، به پیشگیری از کاهش رشد جمعیت مربوط است و به قسمت افزایش نرخ باروری، کمتر پرداخته شده است. نظر مقام معظم رهبری هم در آن موضوعی که ابلاغ فرمودند، نظرشان بیشتر رعایت همه‌ی جوانبی است که موجب افزایش نرخ باروری می‌شود. این موضوع را هم اگر در آن اشکال کلی بگنجانید و بگویید این مصوبه با عنوانش - که افزایش نرخ باروری و پیشگیری از کاهش رشد جمعیت است - هم‌خوانی ندارد.

آقای یزدی - بله.

آقای سلیمی - برای افزایش باروری، باید به سایر اموری که مقام معظم رهبری در سیاست‌های کلی جمعیت ابلاغ کرده‌اند، بیشتر پرداخت تا این مصوبه، یک چیز جامعی از کار دربیاید. فقط به اینکه بچه به دنیا بیاید، محدود نباشد و مسائل بعدی آن، مانند تعلیم و تربیت و کار و آموزش و همه‌ی اینها، در این مصوبه دیده شود. من پیشنهادم این است.

آقای یزدی - مسئله‌ی تغذیه [را هم باید در نظر گرفت].

آقای علیزاده - این اشکالی که الآن حضرت آیت‌الله جنتی در خصوص ماده (۲) فرمودند، اگر آقایان نظرشان بر این است، ما بگوییم مفهوم این ماده این است که تبلیغات در خصوص پیشگیری از بارداری در غیر از رسانه‌ها، مجاز است، حال اینکه در بعضی موارد، تبلیغ پیشگیری از بارداری از طرق دیگر هم اشکال دارد.

آقای اسماعیلی - این مفهوم چیست؟

آقای علیزاده - مفهوم این ماده این است که الآن جلوی تبلیغات سایر رسانه‌ها را نگرفته است.

آقای هاشمی ساهرودی - مثلاً سر کلاس درس می‌شود تبلیغ کرد.

آقای اسماعیلی - چه مفهومی دارد؟

آقای علیزاده - با این ماده، از طریق رسانه‌ها نمی‌شود تبلیغات

ماده (۵) گفته است این محدودیت‌هایی که قبلاً بوده است، حالا لغو می‌شود؛ از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، کلیه محدودیت‌های مقرر در قانون تنظیم خانواده و جمعیت مصوب ۱۳۷۲/۲/۲۶ و اصلاحات آن و سایر قوانین که بر اساس تعداد فرزند برای والدین شاغل یا فرزندان آنان ایجاد شده است، لغو می‌شود. یعنی در اینجا دارد کلیه محدودیت‌های مقرر برای والدین شاغل یا فرزندان آنان را لغو می‌کند. آنچه را که در اینجا القا می‌کند، عبارت «حداکثر سه فرزند» است، چه والدین آنها شاغل باشند، چه نباشند.

آقای رهپیک - این حکم فقط مربوط به شاغلین است؛ برای غیرشاغلین که دولت [هزینه‌ای پرداخت نمی‌کند].
آقای مدرسی یزدی - نه، در بعضی جاها هست.
آقای رهپیک - تعداد آن موارد کم است.

آقای مدرسی یزدی - اجازه بدهید؛ قبول دارم کم است، اما به هر حال، ما اینجا نشستیم و باید وظیفه‌مان را انجام بدهیم. یک جاهایی هست که دولت، افراد را بیمه می‌کند و چیزهایی

→ آنچه از نسخ قوانین فوق بدست می‌آید رفع قوانینی است که ارائه پوشش‌های بیمه‌ای و خدماتی به فرزندان سوم به بعد را کاهش می‌داده، و این بدین معناست که با تصویب این قوانین، دیگر محدودیت قانونی برای ارائه خدمات به این فرزندان وجود ندارد. تذکر مهمی که در خصوص اصلاحات و نسخ‌های صورت گرفته در این ماده وجود دارد این است که «قانون اصلاح قوانین تنظیم جمعیت و خانواده» در تاریخ ۱۳۹۲/۳/۲۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و مورد تأیید شورای نگهبان نیز قرار گرفت. به موجب ماده واحده این قانون این گونه مقرر شده است که: «از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، کلیه محدودیت‌های مقرر در قانون تنظیم خانواده و جمعیت مصوب ۱۳۷۲/۲/۲۶ و اصلاحات آن و سایر قوانین که براساس تعداد فرزند برای والدین شاغل یا فرزندان آنان ایجاد شده است، لغو می‌شود». مفاد این ماده واحده را می‌توان در حقیقت مشابه حکم ماده (۵) مصوبه مورد بررسی دانست و این گونه نتیجه گرفت که بنابر ماده واحده مذکور در حال حاضر همه محدودیت‌های قانونی که در قوانین نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت، قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون تنظیم خانواده و جمعیت، قانون اصلاح قانون تنظیم خانواده و جمعیت و نیز قانون تأمین خدمات درمانی مستخدمین دولت وجود داشته است نسخ‌شده محسوب می‌شوند و حکم ماده (۵) تنها تأکید و تصریحی بر نسخ ضمنی صورت گرفته است. لذا با توجه به اینکه شورای نگهبان در نظرات پیشین خود (نظرات شماره ۹۱/۳۰/۴۹۶۴۵ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۶ و ۹۲/۳۰/۵۱۰۴۱ مورخ ۹۲/۳/۲۹) نسخ این موارد را مغایر با قانون اساسی ندانسته است و ماده (۵) نیز حکم جدیدی را ایجاد نکرده است، فاقد ایراد به نظر می‌رسد. نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۵۰۲۱ مورخ ۱۳۹۳/۵/۲۸، صص ۷-۱۰، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/CBtpD

آقای مدرسی یزدی - با این قانون، یک قانون دیگری هم می‌آید.
آقای رهپیک - نه دیگر، در هیچ قانون دیگری راجع به پیشگیری از بارداری نمی‌خواهند صحبت کنند؛ در همین مصوبه می‌خواهند در این خصوص صحبت کنند
آقای علیزاده - تا آن قانون، تصویب نشده است، اینها [= سایر وسایل تبلیغات] جایز است؛ یعنی تا آن قانون به تصویب نرسیده، تبلیغات پیشگیری از بارداری به طرُق دیگر غیر از رسانه، اشکالی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - بگویم این ماده، خلاف سیاست‌های کلی جمعیت است بهتر است.

آقای علیزاده - خب بله، من هم همین را می‌گویم؛ گفتیم که این ماده، خلاف سیاست‌های کلی جمعیت، ابلاغی مقام معظم رهبری است.

آقای مدرسی یزدی - تعبیر «عدم تطبیق کامل با سیاست‌های کلی جمعیت» را به کار ببریم، نه «مغایرت با سیاست‌های کلی».

آقای رهپیک - مغایر با سیاست‌های کلی است.

آقای ابراهیمیان - اگر بحث این ماده، فقط مختص رسانه‌ها باشد، [«عدم انطباق» با سیاست‌های کلی بهتر است].

آقای رهپیک - از عبارت «عدم انطباق» استفاده کنیم.

آقای مدرسی یزدی - بله، «عدم انطباق» بهتر است. اگر این تعبیر باشد، خیلی بهتر است.

آقای علیزاده - پس می‌نویسیم «منطبق با سیاست‌های کلی جمعیت نمی‌باشد».

آقای رهپیک - بله.

آقای هاشمی شاهرودی - خوب است.^۱

آقای مدرسی یزدی - من یک عرض دیگری هم دارم. به نظر می‌آید که این ماده‌ی اخیر، با اصل (۷۵) قانون اساسی هم مغایرت دارد، اگرچه دلم نمی‌خواهد که این ایراد به این شکل مطرح بشود، ولی به هر حال چون اینها آمده‌اند دامنه را توسعه داده‌اند، هزینه‌های عمومی را بالا می‌برد. البته آقایان مجمع مشورتی حقوقی برای این مسئله، یک جوابی پیدا کرده‌اند.^۲

۱. بند (۲) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۸۲۲ مورخ ۱۳۹۳/۶/۱ شورای نگهبان: «۲- در ماده (۲)، اختصاص ممنوعیت تبلیغات صرفاً به رسانه‌ها، منطبق با سیاست‌های کلی جمعیت، ابلاغی مقام معظم رهبری «مدّ ظلّه‌العالی» نمی‌باشد. بنابراین، ماده مذکور باید اصلاح شود.»

۲. «این ماده تلاش داشته است تا ضمن اصلاح برخی از محدودیت‌های موجود در مسیر افزایش تعداد فرزندان، اقدام به نسخ قوانینی نماید که به منظور محدود کردن و تنظیم (کاهش) جمعیت وضع شده بودند. ...

را برای کسانی که شاغل هم نیستند، تأمین می‌کند. در قوانین قبلی گفته بودند تا سه نفر فرزند را تأمین می‌کنند.

آقای علیزاده - مگر قانون گفته بود که آنها را بیمه نکنند؟ الان مگر قانونی داریم که بگوید فرزندان بعدی این خانواده‌ها را بیمه نکنند؟

آقای مدرسی یزدی - بله دیگر، مثلاً قانون تأمین اجتماعی می‌گوید تنها تا سه فرزند را بیمه می‌کند، اما اینجا دارد می‌گوید از این به بعد، دیگر اختصاص به سه فرزند ندارد [و محدودیت‌ها را برمی‌دارد].

آقای رهپیک - نه، سازمان بیمه همه را بیمه می‌کند؛ اگر هشت تا بچه هم باشد، بیمه می‌کند. آن چیزی که در قوانین به سه فرزند محدود شده است، حق اولاد شاغلان است.

آقای مدرسی یزدی - نخیر، سهم دولت در تأمین بیمه، مثل عشاير و جاهای دیگر وجود دارد. یک جاهایی است که سهم دولت برای تمام افراد وجود داشته است که قانون قبلی همه‌ی شاغلین را شامل می‌شده است. مقصود از شاغلین هم، شاغلین دولتی است دیگر؛ ولی در آنجاهایی که دولت باید سهم بیمه‌ی کسانی که دولتی نبودند را هم می‌پرداخت، [با این مصوبه، برای دولت هزینه‌ی جدید ایجاد خواهد شد؛ چون] راه تأمین هزینه‌های آن بیان نشده است. بنابراین، باید بیان بشود [که منبع تأمین این هزینه‌های جدید کجا است]. اگر جوابی دارید، من در خدمت شما هستم؛ اگر هم نیست، ایراد اصل (۷۵) قانون اساسی در این حد وارد است.

آقای علیزاده - شما کدام قسمت ماده (۵) را می‌فرمایید؟

آقای مدرسی یزدی - ماده (۵) می‌گوید از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، عبارت «حداکثر تا سه فرزند» در همه‌ی قوانین حذف می‌شود، حتی تبصره ماده (۷) قانون تأمین خدمات درمانی مستخدمین دولت را هم نوشته است.

آقای رهپیک - در این ماده، چند تا قانون را نام برده است.

آقای علیزاده - بند (۲) و تبصره (۳) ماده (۹) قانون هماهنگ پرداخت کارکنان دولت که مربوط به مستخدمین دولت است.

آقای رهپیک - قانون خدمات کشوری هم همین طور است.

آقای علیزاده - بله، بند (۴) ماده (۶۸) قانون مدیریت خدمات کشوری هم که مربوط به «کمک‌هزینه عائله‌مندی» است.

آقای رهپیک - بله، این هم مربوط به مستخدمین دولتی است.

آقای مدرسی یزدی - قانون تنظیم خانواده و جمعیت، مفادش چیست؟

آقای علیزاده - آن را هم الان پیدا می‌کنیم.

آقای مدرسی یزدی - بخوانید تا ببینیم چیست.

آقای علیزاده - قانون تنظیم خانواده و جمعیت هم می‌گوید: «ماده ۱- کلیه امتیازاتی که در قوانین بر اساس تعداد فرزندان یا عائله پیش‌بینی و وضع شده‌اند، در مورد فرزندان چهارم و بعد که پس از یک سال از تصویب این قانون متولد می‌شوند، قابل محاسبه و اعمال نخواهد بود و فرزندان که تا تاریخ مزبور متولد می‌شوند، کماکان از امتیازات مقرر شده، برخوردار می‌باشند.»

آقای مدرسی یزدی - بله، این یعنی حتی بیمه‌کردن فرزندان را نیز شامل می‌شود.

آقای علیزاده - نه.

آقای مدرسی یزدی - چرا دیگر؛ این ماده کلیه‌ی امتیازات را می‌گوید. **آقای علیزاده** - آن امتیازات این بود که اگر کسی بچه‌ی زیادی دارد، به او یک چیز اضافی بدهند که این ماده الان دارد می‌گوید [فرزندان چهارم به بعد از این امتیازات محروم می‌شوند].

آقای مدرسی یزدی - نه.

آقای یزدی - یعنی انحصار به سه تا بچه نداشته باشید.

آقای مدرسی یزدی - مثلاً مرخصی بارداری [شامل فرزند چهارم به بعد نمی‌شود].

آقای علیزاده - آن که مربوط به مستخدمین دولت است.

آقای مدرسی یزدی - نه، مگر کارگران بخش خصوصی، مرخصی ندارند؟

آقای رهپیک - امتیازات کارگران، در قانون مصوب مجمع تشخیص مصلحت آمده است.

آقای ابراهیمیان - این چند تا موردی که در ماده (۵) گفته شده، کدامش شامل غیرشاغلین می‌شود؟

آقای مدرسی یزدی - به نظر ما، شامل غیرشاغلین هم می‌شود.

آقای رهپیک - فقط همان قانون آخر ماند که آن هم مربوط به خدمات درمانی مستخدمین دولت است.

آقای مدرسی یزدی - بله، آن قانون مربوط به مستخدمین دولت است.

آقای ابراهیمیان - می‌خواهم بگویم اگر این چند قانون ذکر شده در این ماده، شامل غیرشاغلین نیست، همسو با آن مصوبه است. به نظر من، جواب دوستان [در مجمع مشورتی حقوقی] هم در اینجا کفایت می‌کند.

آقای مدرسی یزدی - الان یارانه [به خانواده‌های بیش از سه فرزند تعلق می‌گیرد؟]

آقای علیزاده - یارانه را به تمام بچه‌ها می‌دهند، حتی اگر (۲۴) تا باشند.

آقای مدرسی یزدی - یارانه می‌دهند؟

آقای علیزاده - بله.

آقای سلیمی - به (۲۴) فرزند هم یارانه می‌دهند.

آقای مدرسی یزدی - عجب!

آقای علیزاده - بله.

آقای رهپیک - حالا این ماده، اشکالی ندارد و واقعاً بار مالی خاصی ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای ابراهیمیان - بار مالی ندارد، از این حیث که قبلاً [چنین مقررهای را در قانون اصلاح قانون تنظیم خانواده و جمعیت آورده بودند].

آقای رهپیک - بله دیگر؛ این قوانین هم همه مربوط به شاغلین است. در قانون [اصلاح قانون تنظیم خانواده و جمعیت] سال (۱۳۹۲) هم شاغلین را گفته بودند.

آقای مدرسی یزدی - ولی واقعاً اطلاق قانون تنظیم خانواده و جمعیت، شامل غیرشاغلین هم می‌شود؛ چون ماده (۱) آن می‌گوید: «کلیه امتیازاتی که در قوانین بر اساس تعداد فرزندان پیش‌بینی و وضع شده‌اند...» خُب اگر کسی چهار فرزند داشته باشد، از این امتیازات، محروم می‌شد [اما حالا با این مصوبه، از آن امتیازات برخوردار می‌شود]. واقعاً از این جهت که می‌گوید: «کلیه امتیازات بر اساس تعداد»، شامل همه اعم از مستخدمین و غیرمستخدمین، چه دولتی و چه غیردولتی می‌شود.

آقای علیزاده - از نظر ما که این ماده بار مالی ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - این ایراد، رأی ندارد.

آقای علیزاده - خود آموزش تنظیم خانواده که تا به حال از طرف دولت انجام می‌شد، مجانی بود. هر کسی که به مراکز پزشکی مراجعه می‌کرد، باید دارو به صورت مجانی در اختیارش قرار می‌دادند، کارهای دیگری برای او انجام می‌دادند و به او در این جهت، آموزش می‌دادند. الآن حذف همه‌ی این کارها، دارد بار مالی دولت را کم می‌کند. لذا بر فرض هم که این مصوبه، بار مالی اضافه کند، از آن طریق جبران می‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای مدرسی یزدی - این حرف بدی نیست؛ حرف خوبی است.

آقای علیزاده - دولت در خود تنظیم خانواده باید نقش ایفا

می‌کرد، ولی این مصوبه دارد آنها را برمی‌دارد.

آقای مدرسی یزدی - این، حرف خوبی است.

آقای هاشمی شاهرودی - برویم دستور بعدی را بررسی کنیم.^۱

طرح امکان‌سنجی انتقال مرکز سیاسی و اداری کشور و ساماندهی و تمرکززدایی از تهران

منشی جلسه - «طرح امکان‌سنجی انتقال مرکز سیاسی و اداری کشور و ساماندهی و تمرکززدایی از تهران»^۲

۱. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۸۲۲ مورخ ۹۳/۵/۲۹ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۴۴۶/۳۳۸۱۶ مورخ ۱۳۹۳/۵/۲۱، طرح افزایش نرخ باروری و پیشگیری از کاهش رشد جمعیت کشور مصوب جلسه مورخ نوزدهم مردادماه یکهزار و سیصد و نود و سه مجلس شورای اسلامی، در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۵/۲۹ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نظر این شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

۱- در تبصره ماده (۱)، چون مقصود از تهدید سلامت و ضوابط و شرایط آن روشن نیست، پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

۲- در ماده (۲)، اختصاص ممنوعیت تبلیغات صرفاً به رسانه‌ها، منطبق با سیاست‌های کلی جمعیت، ابلاغی مقام معظم رهبری مدّ ظلّه‌العالی نمی‌باشد. بنابراین ماده مذکور باید اصلاح شود.

۳- در ماده (۳)، نظر به اینکه تعیین ضوابط مربوط به «موارد آموزشی و ضروری در راستای حفظ سلامت والدین و کودک» به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی واگذار شده است، معایر اصل (۸۵) قانون اساسی شناخته شد.

در خاتمه به استحضار عالی می‌رساند:

از آنجا که این مصوبه در بخش‌های مختلف از جمله افزایش باروری، منطبق با سیاست‌های کلی جمعیت، ابلاغی مقام معظم رهبری مدّ ظلّه‌العالی نمی‌باشد، لذا شایسته است با توجه به سیاست‌های کلی، مصوبه جامعی تهیه و مورد تصویب قرار گیرد.

تذکر:

- در ماده (۲)، از آنجا که قانون مطبوعات، در سال (۱۳۷۹) اصلاح گردیده است، لازم است عبارت اصلاح گردد.»

۲. طرح امکان‌سنجی انتقال مرکز سیاسی و اداری کشور و ساماندهی و تمرکز زدایی از تهران که با عنوان اولیه‌ی طرح انتقال پایتخت توسط عده‌ای از نمایندگان به مجلس تقدیم شده بود، سرانجام با اصلاحاتی در متن و عنوان، در تاریخ ۱۳۹۳/۵/۲۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۲۲۸/۳۵۱۸۶ مورخ ۱۳۹۳/۵/۲۶ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، در مجموع در دو مرحله بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۵/۲۹ بررسی کند و نظر خود مبنی بر مغایرت این مصوبه با اصل (۷۵) قانون اساسی و نیز وجود ابهام در آن را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۸۱۵ مورخ ۱۳۹۳/۵/۲۹ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

آقای هاشمی شاهرودی - در این مصوبه که فقط یک کمیسیون تشکیل داده‌اند و غیر از این، کاری نکرده‌اند!

منشی جلسه - «ماده ۱- «شورای ساماندهی مرکز سیاسی و اداری کشور و ساماندهی و تمرکززدایی از تهران»، با استفاده از ظرفیت‌ها و امکانات موجود در قوه مجریه و نیز استفاده از اعتبارات پژوهشی و تحقیقاتی وزارت راه و شهرسازی و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و عنداللزوم کمک‌های شهرداری تهران، به منظور انجام اقدامات زیر تشکیل می‌شود:

الف- بررسی و جمع‌بندی مطالعات انجام شده در خصوص تمرکززدایی و ساماندهی شهر تهران

ب- انجام پژوهش‌های ضروری با هدف امکان‌سنجی و ارائه راهکارهای برون‌رفت از وضع موجود

پ- تبیین و ارزیابی، پیش‌بینی و تعیین پیش‌نیازها، الزامات و تمهیدات اجرایی و راهبردهای پیشنهادی برای ساماندهی تهران بزرگ

ت- امکان‌سنجی انتقال مرکز سیاسی و اداری و جانمایی مکان مناسب برای آن در افق‌های زمانی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت.»

آقای علیزاده - این ماده گفته است که از امکانات و ظرفیت‌های موجود، این‌طوری استفاده بکنند؛ آیا این چنین حکمی، بر اساس تفسیری که شورا از اصل (۷۵) ارائه کرد،^۱ تأمین‌کننده‌ی بار مالی است؟

آقای ره‌پیک - نه، این مصوبه، بار مالی دارد. اعتبارات پژوهشی وزارت راه و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور که محل تأمین بار مالی این مصوبه نیست.

آقای علیزاده - الان، در اینجا که دارد اعتبارات پژوهشی این

→

در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۴/۲/۶ مجلس، این مصوبه در مرحله‌ی دوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۴/۲/۱۶ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۴/۱۰۲/۴۳۶ مورخ ۱۳۹۴/۲/۱۶ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

۱. بند (۱) نظریه‌ی تفسیری شماره ۹۱/۳۰/۴۹۷۴۹ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۳ شورای نگهبان از اصل (۷۵) قانون اساسی: «۱- درج عبارت «از محل صرفه‌جویی»، به نحو مطلق و برای مدت نامحدود و بدون تعیین محل و همچنین درج عبارت «پیش‌بینی در بوجه سنواتی»، بدون تأمین منبع و نیز درج عبارت‌های «از محل اعتبارات مصوب مربوط» و «از محل اعتبارات مصوب دستگاه»، اگر مستلزم بار مالی جدید بوده، طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید مذکور در اصل ۷۵ قانون اساسی محسوب نمی‌گردد.»

جاها را به عنوان منبع تأمین هزینه‌های این مصوبه تعیین می‌کند، درست نیست؛ چون این مصوبه که فقط برای امسال نیست؛ اگر فقط برای امسال است، باید بگوید از فلان ردیف بودجه [که مربوط به اعتبارات پژوهشی وزارت راه و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور است]، این مقدار بردارید؛ اما برای سال‌های بعد که هنوز بودجه‌ای اختصاص نیافته است تا بتواند چنین حرفی بزند.

آقای ره‌پیک - بله.

آقای مدرسی یزدی - این مصوبه می‌گوید الان که این اعتبارات هست، از اینها استفاده کنید.

آقای علیزاده - نه، نمی‌شود. ما [در نظریه‌ی تفسیری شماره ۹۱/۳۰/۴۹۷۴۹ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۳] که از اصل (۷۵) قانون اساسی ارائه دادیم [گفتیم تأمین بار مالی به این نحو، تکافوی تأمین بار مالی نیست.

آقای ره‌پیک - این عناوین مثل اعتبارات پژوهشی فلان جا، اصلاً تأمین منبع نیست.

آقای مدرسی یزدی - این ماده که نمی‌خواهد منبع مالی را تأمین بکند.

آقای ره‌پیک - چرا دیگر.

آقای مدرسی یزدی - می‌گوید همین اعتبارات پژوهشی که دارید، در حدود امکانات و ظرفیت موجود برای انجام این کار استفاده کنید.

آقای علیزاده - یک سال پیش آقای احمدی‌نژاد نامه‌ای به حضرت آیت‌الله شاهرودی نوشتند. ما در پاسخ آن نامه [= استفساریه‌ی اصل (۷۵) قانون اساسی] گفتیم این قبیل امور، تأمین منبع محسوب نمی‌شود.^۲

آقای مدرسی یزدی - بله، درست است، ولی ما می‌گوییم این مصوبه هزینه‌ای ندارد.

۲. مقصود، استفسار رهبر معظم انقلاب اسلامی از اصل (۷۵) قانون اساسی است که به پیشنهاد هیئت عالی حل اختلاف و تنظیم روابط قوا، در پی درخواست‌های رئیس جمهور وقت (درخواست‌های شماره ۹۰/۲۱۰۴۴ م مورخ ۱۳۹۰/۶/۲۸ و ۲۰۰۱۴۶ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۱۱) از آیت‌الله شاهرودی، رئیس این هیئت، انجام شد و منجر به صدور نظریه‌ی تفسیری شماره ۹۱/۳۰/۴۹۷۴۹ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۳ شورای نگهبان شد. برای آگاهی تفصیلی نسبت به این نظریه‌ی تفسیری و مستندات قانونی آن، رجوع کنید به: فتوحی، محمد و کوهی اصفهانی، کاظم، «اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان (۱۳۹۴-۱۳۵۹)؛ جلد دوم (اصول ۵۶ تا ۷۵ قانون اساسی)»، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۵، صص ۸۶۷-۸۷۵.

می‌آیند یک‌سری هزینه‌هایی برای ورود کالاها، پروژه‌های تحقیقاتی و ... پیش‌بینی می‌کنند.

آقای مدرس‌ی یزدی - این مصوبه دارد می‌گوید از اعتبارات پژوهشی که الان هست، به آدم‌های محقق‌ی که دارید بدهید تا در این موضوع تحقیق کنند.

آقای علیزاده - این کارهایی که در این مصوبه گفته شده انجام شود، امسال تمام می‌شود؟

آقای مدرس‌ی یزدی - خُب امسال تمام نشود.

آقای ره‌پیک - ما عناوین بودجه‌های پژوهشی وزارت راه و شهرسازی را اینجا در صفحه (۱۳) و (۱۴) آورده‌ایم.^۱ این پروژه‌ها راجع به «تکمیل مطالعات تفصیلی طرح‌های حمل و نقل»، «مطالعات شناسایی و امکان‌سنجی پروژه‌های حمل و نقل» و برخی عناوین دیگر است.

آقای علیزاده - الان در این عناوین پژوهشی، بودجه‌ای برای اجرای طرحی که در این مصوبه آمده وجود دارد؟

آقای هاشمی‌شاه‌رودی - این مصوبه، بار مالی دارد. روشن است.

آقای علیزاده - بله، بار مالی دارد با توجه به تفسیری که ما از اصل (۷۵) ارائه کردیم، حضرات آقابانی که می‌فرمایند این مصوبه بار مالی دارد، رأی بدهند.

آقای یزدی - بار مالی این مصوبه روشن است؛ کار پژوهشی که همین‌طوری [بدون اختصاص بودجه] انجام نمی‌شود.

آقای ره‌پیک - [اقدامات پژوهشی پیش‌بینی شده در این مصوبه] کلاً کار سنگینی است.

آقای سلیمی - نتیجه‌ی رأی‌گیری چه شد؟

آقای علیزاده - چهار نفر از حقوقدانان رأی دادند که بار مالی دارد.

آقای هاشمی‌شاه‌رودی - سه نفر از فقها هم رأی دادند.^۲

منشی جلسه - «ماده ۲- اعضای شورا عبارتند از:

۱- رئیس‌جمهور یا معاون اول وی به عنوان رئیس شورا

۲- معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور

۳- وزیر راه و شهرسازی به عنوان دبیر شورا

۴- وزیر کشور

۱. مقصود، گزارش کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی شورای نگهبان است. برای آگاهی از مفاد این گزارش بنگرید به: نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۵۰۲۱ مورخ ۱۳۹۳/۵/۲۸، صص ۱۱-۱۶، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/3A1vS

۲. بند (۱) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۸۱۵ مورخ ۱۳۹۳/۵/۲۹ شورای نگهبان: «۱- ماده (۱)، از آنجا که به افزایش هزینه‌های عمومی می‌انجامد و طریق پیش‌بینی شده در آن، تأمین‌کننده بار مالی به وجود آمده نمی‌باشد، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد.»

آقای ره‌پیک - خُب این مصوبه هزینه دارد که منبع مالی آن را تعیین کرده‌اند.

آقای مدرس‌ی یزدی - منبع مالی تعیین نکرده است، بلکه می‌گوید با استفاده از ظرفیت و امکانات موجود، اقدام بشود.

آقای علیزاده - مصنف می‌گوید این کار هزینه دارد، شما می‌گویید هزینه ندارد!

آقای ره‌پیک - این مصوبه خودش دارد می‌گوید هزینه‌های آن را از اینجاها تأمین کنید.

آقای مدرس‌ی یزدی - می‌گوید از فلان اعتبارات پژوهشی که الان موجود است استفاده کنید. مثلاً پنج تا پروژه به اینها [= شورای ساماندهی مرکز سیاسی و اداری کشور و ساماندهی و تمرکززدایی از تهران] می‌دهند و می‌گویند درباره‌ی این پروژه‌ها تحقیق کنید و این کارها را انجام بدهید.

آقای ره‌پیک - نه، این‌طور نیست. الان در بودجه سال (۱۳۹۳) که برای وزارت راه و شهرسازی اعتبارات پژوهشی تصویب کرده‌اند، همانجا در زیر این اعتبارات، انجام چند پروژه را تعریف کرده‌اند.

آقای مدرس‌ی یزدی - نه.

آقای ره‌پیک - ما رفتیم و قانون بودجه را دیدیم. در آنجا در ذیل عنوانی - که اسمش هم «اطلاعات پژوهشی» نبود، بلکه مثلاً «طرح تحقیقاتی» نوشته بودند- سه طرح تحقیقاتی در مورد فلان استان در نظر گرفته‌اند.

آقای مدرس‌ی یزدی - خُب می‌دانید عناوین آن طرح‌ها شامل چه بوده است؟

آقای ره‌پیک - عناوین آنها ربطی به تهران ندارد؛ هیچ ربطی به تهران ندارد. در قانون بودجه‌ی ۱۳۹۳، اعتبارات پژوهشی که برای وزارت راه و شهرسازی نوشته‌اند برای اختصاص به سه پروژه است که ربطی به این مصوبه ندارد.

آقای مدرس‌ی یزدی - به نظر می‌رسد که واقعاً این ماده مشکلی ندارد.

آقای علیزاده - به نظر ما، این کاری که اینها برای تأمین بار مالی در این مصوبه کرده‌اند، با تفسیری که آقایان [= اعضای شورای نگهبان] خودشان از اصل (۷۵) ارائه دادند، اشکال دارد. **آقای مدرس‌ی یزدی** - اگر این مصوبه هزینه داشته باشد، الان ما هم می‌گوییم اشکال دارد، ولی هزینه‌ای ندارد.

آقای علیزاده - چرا؛ هزینه دارد.

آقای ره‌پیک - بله، این مصوبه خیلی هزینه دارد. اینها الان

آقای رهپیک - خب ببینید؛ اگر مقصود این باشد که دولت موظف است به نتایج این تحقیقات عمل کند [عضویت غیردولتی‌ها در این شورا، اشکال پیدا می‌کند]، اما اگر مقصود این نباشد، اشکالی ندارد؛ تحقیقات آنها به عنوان جنبه‌ی مشورتی به دولت ارائه می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - این کار، یک امر اجرایی است؛ امری مربوط به کشور است.

آقای رهپیک - نه، اگر مقصود این باشد که اعضای این شورا در این زمینه مطالعه کنند [و به دولت گزارش بدهند، حضور اعضای خارج از دولت در این شورا اشکالی ندارد].

آقای علیزاده - این شورا تحقیق می‌کند و به دولت گزارش می‌دهد؛ اینکه اشکالی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - باشد.

آقای رهپیک - اگر در جهت امر اجرا، دولت اختیار داشته باشد که از نظرات آنها استفاده کند یا استفاده نکند، اشکالی ندارد؛ چون صرفاً نظر آنها جنبه‌ی مشورتی دارد. بنابراین، هر کسی را خواستند، می‌توانند عضو این شورا کنند.

آقای یزدی - نمایندگان مجلس چطور؟

آقای علیزاده - آنها عضو ناظر این شورا هستند.

آقای یزدی - بدون حق رأی هستند.

آقای سلیمی - اگر به آنها هم حق رأی می‌دادند، اشکالی نداشت.

آقای علیزاده - بله، این از اول هم اشکال نداشت. حضرات آقایانی که می‌فرمایند ماده (۲) با توجه به وظایفی که برای این شورا در این مصوبه آمده، مغایر قانون اساسی است، بفرمایند.

آقای مدرسی یزدی - کار این شورا، کار اجرایی است؛ ولی این نظر، رأی ندارد.

منشی جلسه - «ماده ۳- شورا موظف است حداکثر ظرف مدت دو سال از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، نتایج تحقیقات و مطالعات خود را در جهت اجرای موارد مذکور در ماده (۱)، تهیه و به دولت ارائه کند.»

آقای علیزاده - این مصوبه، تمام شد؟

آقای رهپیک - نه، ماده (۴) هم دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - این عبارت ماده (۳) که می‌گوید نتایج تحقیقات را «در جهت اجرای موارد مذکور در ماده (۱)، تهیه و به دولت ارائه کند»، بیشتر بر لزوم اجرای این نتایج توسط دولت دلالت دارد. آیا این شورا چنین حقی دارد؟!

آقای رهپیک - اگر از عبارت این ماده، این‌گونه استنباط کنید، باید ابهام بگیرید. ما هم [در مجمع مشورتی حقوقی] به این

۵- وزیر اطلاعات

۶- وزیر نیرو

۷- رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

۸- رئیس سازمان حفاظت محیط زیست

۹- رئیس شورای اسلامی شهر تهران

۱۰- شهردار تهران

۱۱- رئیس ستاد کل نیروهای مسلح

۱۲- دو نفر از اعضای کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور، یک نفر از اعضای کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی و یک نفر از اعضای کمیسیون عمران به انتخاب مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر.»

آقای هاشمی شاهرودی - رئیس شورای اسلامی شهر و شهردار تهران که جزء دولت نیستند.

آقای علیزاده - به این مسئله می‌شود اشکال گرفت.

آقای مدرسی یزدی - عضویت شهردار هم اشکال دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، عضویت افراد شماره (۹) و (۱۰) اشکال دارد.

آقای مدرسی یزدی - عضویت رئیس ستاد کل نیروهای مسلح هم در شورا اشکال دارد.

آقای رهپیک - نه.

آقای مدرسی یزدی - امور اجرایی باید از طریق رئیس جمهور و وزرا انجام بشود، در صورتی که اینها [= شهردار تهران، رئیس شورای اسلامی شهر تهران و رئیس ستاد کل نیروهای مسلح] نه از طریق رئیس جمهور هستند و نه از طریق وزرا.

آقای رهپیک - ماهیت این شورا چیست؟ ابتدا باید این موضوع روشن بشود.

آقای مدرسی یزدی - اجرایی است دیگر.

آقای رهپیک - نه، اگر ماهیت این شورا فقط مشورتی باشد، دیگر در ماده (۳) نمی‌گوید که شورا موظف است نتایج کارش را به دولت ارائه بدهد.

آقای علیزاده - پس چرا نمایندگان مجلس را عضو ناظر این شورا گذاشته‌اند؟!

آقای رهپیک - حالا عرض می‌کنم؛ ماده (۳) گفته است: «ماده ۳- شورا موظف است حداکثر ظرف مدت دو سال از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، نتایج تحقیقات و مطالعات خود را در جهت اجرای موارد مذکور در ماده (۱) تهیه و به دولت ارائه کند.»

آقای علیزاده - با این وصف، اصلاً عضویت هیچ‌کدامشان اشکالی ندارد.

ماده ابهام گرفتیم.^۱

آقای هاشمی شاهرودی - بله، ابهام دارد.

آقای رهپیک - ما در گزارشان به ماده (۳) ابهام گرفتیم که توضیح بدهند عبارت «جهت اجرای موارد مذکور»، یعنی چه؟

آقای هاشمی شاهرودی - یعنی آیا دولت ملزم به اجرای نتایج تحقیقات این شورا است یا اینکه بعداً باید برود بر اساس این تحقیقات، لایحه تهیه کند و برای تصویب، به مجلس بفرستد؟

آقای علیزاده - ما به این مورد، ایراد گرفتیم.

آقای یزدی - اینکه می‌گوید نتایج تحقیقات و مطالعات این شورا در جهت اجرا استفاده شود، یعنی اینکه نتیجه‌ی این تحقیقات این است که مثلاً این‌گونه باید اجرا بشود، نه اینکه الآن آن را اجرا بکنیم.

آقای هاشمی شاهرودی - ابهام دارد.

آقای رهپیک - این ابهام از این جهت است که بالاخره سطح این شورا بالاست.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای رهپیک - رئیس جمهور عضو این شورا است، چند تا وزیر هم عضو هستند و لذا به نظر می‌رسد که نظر این شورا نباید صرفاً یک پیشنهاد همین‌طوری باشد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، مخصوصاً اینکه در ماده (۳) گفته است «در جهت اجرای موارد مذکور در ماده (۱)»؛ یعنی دارد مشخص می‌کند که موارد ماده (۱) را هم باید اجرا کنید.

آقای رهپیک - خوب است که ابهام بگیریم تا نسبت به آن توضیح بدهند.

آقای هاشمی شاهرودی - ابهام بگیرید.

آقای علیزاده - آقایانی که نسبت به عبارت «در جهت اجرا»، ابهام دارند که آیا برای دولت الزام‌آور است یا نه، اعلام رأی بفرمایند. این‌طور بنویسیم که پس از رفع ابهام در مورد مواد (۲) و (۳)، اظهار نظر می‌شود.^۲

۱. «این ماده با توجه به عبارت «جهت اجرای موارد مذکور در ماده (۱)» از جهت الزام‌آور بودن یا نبودن تصمیمات «شورای ساماندهی پایتخت» برای دولت، واجد ابهام است و چنانچه منظور از آن لازم‌الاجرا بودن تصمیمات این شورا برای دولت باشد، شورای مذکور با توجه به عضویت اعضای غیر وزیر با داشتن حق رأی در آن، مغایر اصول (۶۰) و (۱۳۸) قانون اساسی خواهد بود.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۵۰۲۱ مورخ ۱۳۹۳/۵/۲۸، ص ۱۶، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/3A1vS

۲. بند (۲) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۸۱۵ مورخ ۱۳۹۳/۵/۲۹ شورای نگهبان:

←

آقای هاشمی شاهرودی - بله، همین عبارت خوب است.

منشی جلسه - «ماده ۴- وزارت راه و شهرسازی موظف است با همکاری وزارت کشور و هماهنگی معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، آیین‌نامه اجرایی این قانون را حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب آن تهیه و برای تصویب به هیئت وزیران ارائه کند.»

آقای هاشمی شاهرودی - اینجا هم گفته است که دولت اجرای آن را بر عهده دارد. مقصود از «اجرا» در این مصوبه واقعاً اشکال دارد و ایرادش بیش از ابهام است.

آقای مدرسی یزدی - نه، این ماده مربوط به آیین‌نامه‌ی اجرایی است.

آقای هاشمی شاهرودی - خب معنایش این است که دولت فقط آیین‌نامه بنویسد!

آقای مدرسی یزدی - نه، معنای این ماده این است که برای نوشتن آیین‌نامه چگونه جمع بشوند، چه کسانی باشند و چگونه رأی بدهند.

آقای هاشمی شاهرودی - این ماده که نمی‌گوید اینها اصل آیین‌نامه را تصویب می‌کنند؛ عجب حرفی می‌زنید!

آقای علیزاده - حداقل ابهام بگیریم.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، حداقل باید ابهام گرفت، هر چند ایرادش بیشتر از ابهام است.

آقای یزدی - این چه ابهامی دارد؟

آقای هاشمی شاهرودی - ما می‌گوییم که این ماده (۴)، دلیل بر این است که مقصود از ماده (۳)، اجرا بوده است.

آقای رهپیک - خود ماده (۴) هم یک قرینه‌ای [برای ماهیت اجرایی داشتن کار شورا] است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، این قرینه است بر اینکه دولت فقط آیین‌نامه‌ی اجرایی این مصوبه را [در جهت مصوبات شورا] تصویب می‌کند.

آقای یزدی - در ماده (۴) گفته‌اند که باید مثلاً ظرف این مدت، آیین‌نامه‌ی اجرایی این مصوبه را تهیه کنند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، ولی دولت فقط باید آیین‌نامه‌ی اجرایی را تصویب کند، اما اصل اجرایش چه می‌شود؛ اصل کارها مصوب کجا است؟

→

«۲- در ماده (۳)، عبارت «جهت اجرا موارد مذکور در ماده (۱)» ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، در خصوص این ماده و ماده (۲)، اظهار نظر خواهد شد.»

آقای ابراهیمیان - آیین‌نامه‌ی اداری است.

آقای هاشمی شاهرودی - دستور بعدی را مطرح بفرمایید.^۱

بررسی قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم (بر اساس اصل چهارم قانون اساسی)

آقای یزدی - بررسی «قانون اجازه رعایت احوال شخصیه
ایرانیان غیر شیعه در محاکم».^۲

آقای علیزاده - این قانون مربوط به ایرانیان غیر شیعی است که در ماه‌های گذشته در چند جلسه، کمی راجع به آن بحث کردیم. آقایان اعضای مجمع مشورتی فقهی فرموده بودند که این قانون، خلاف شرع است؛ برای اینکه دارد به قاضی اجازه می‌دهد تا در مورد احوال شخصیه‌ی ایرانیان غیر شیعه مطابق با قانون خودشان، حکم کند. در اینجا هم راجع به این موضوع صحبت شد. اولاً در این خصوص، اصل (۱۲) قانون اساسی^۳

۱. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۸۱۵ مورخ ۱۳۹۳/۵/۲۹ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۲۲۸/۳۵۱۸۶ مورخ ۱۳۹۳/۵/۲۶، طرح امکان‌سنجی انتقال مرکز سیاسی و اداری کشور و ساماندهی و تمرکززدایی از تهران، مصوب جلسه مورخ بیست و یکم مردادماه یکهزار و سیصد و نود و سه مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۵/۲۹ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نظر این شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد: ۱- ماده (۱)، از آنجا که به افزایش هزینه‌های عمومی می‌انجامد و طریق پیش‌بینی شده در آن، تأمین‌کننده بار مالی به وجود آمده نمی‌باشد، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد.

۲- در ماده (۳)، عبارت «جهت اجرا موارد مذکور در ماده (۱)» ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، در خصوص این ماده و ماده (۲)، اظهار نظر خواهد شد.»

۲. قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم، در تاریخ ۱۳۱۲/۴/۳۱ به تصویب کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی رسید. فقهای شورای نگهبان بر اساس اختیار حاصل از اصل (۴) قانون اساسی، جهت نظارت شرعی بر این قانون، بررسی آن را در دستور جلسات متعدد خود قرار دادند. این قانون، در جلسات مورخ ۱۳۹۳/۲/۱۰، ۱۳۹۳/۲/۱۷، ۱۳۹۳/۲/۲۷، ۱۳۹۳/۵/۲۹ مورد بررسی قرار گرفته است. در نهایت، با توجه به اینکه مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۱۳۷۲/۴/۳ از باب حل معضل، مصوبه‌ای در خصوص این قانون داشته است، فقهای شورای نگهبان از اظهار نظر در خصوص این موضوع صرف نظر کردند.

۳. اصل دوازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب، جعفری اثنی‌عشری است و این اصل الی‌الابد غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی، اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و

←

آقای ره‌پیک - ماده (۴) را می‌توان این‌جور هم معنا کرد که می‌گوید اینها جمع شوند تا برای اجرایی کردن پیشنهادهای شورا، آیین‌نامه بنویسند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، همین‌طور است.

آقای یزدی - هر قانونی، یک آیین‌نامه‌ی اجرایی دارد که باید دستگاه‌های پیش‌بینی شده بنشینند و آن را تهیه کنند.

آقای ره‌پیک - این نحوه برداشت ما، به ابهام ما در ماده (۳) هم کمک می‌کند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، آن ابهام، بجا گرفته شد.

آقای ره‌پیک - ببینید؛ وقتی در این مصوبه می‌گوید یک شورایی در این سطح، با حضور رئیس جمهور و وزرا و... تشکیل بشود، آیا بعد می‌شود پذیرفت که این شورا فقط به دولت پیشنهاد بدهد و دولت می‌تواند آن پیشنهادها را اجرا نکند؟!

آقای هاشمی شاهرودی - نمی‌شود. کسانی که به ابهام ماده (۳) رأی ندادند، به این مورد رأی بدهند؛ این هم یک اشکال دیگری است.

آقای ره‌پیک - یعنی رئیس جمهور به دولت پیشنهاد بدهد، ولی دولت آن را اجرا نکند؟!

آقای مدرسی یزدی - این اشکال، وارد نیست. حالا فرضاً در اینجا، یک شورایی پیش‌بینی شده که در آن رئیس جمهور و چند وزیر عضو هستند، چه اشکالی دارد که آیین‌نامه‌ی اجرایی این مصوبه برای تصویب به هیئت وزیران واگذار شود.

آقای ره‌پیک - در این شورا، چند تا وزیر حضور دارند.

آقای مدرسی یزدی - بله، وزیر راه و شهرسازی، وزیر کشور و وزیر اطلاعات در آن شورا حضور دارند. آن وقت، اینکه آیین‌نامه‌ی اجرایی آن را فقط وزارت راه و شهرسازی با همکاری وزارت کشور تهیه می‌کند، آیا نباید این آیین‌نامه در هیئت دولت تصویب بشود؟!

آقای هاشمی شاهرودی - چرا؛ باید تصویب بشود.

آقای یزدی - این دستگاه‌ها، آیین‌نامه را تهیه می‌کنند، بعد در هیئت وزیران تصویب می‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - همه‌ی آیین‌نامه‌ها را هیئت دولت تصویب کرده است.

آقای ابراهیمیان - اگر مواد دیگر این مصوبه را اصلاح کنند، ماده (۴) اشکالی نخواهد داشت.

آقای ره‌پیک - نه، باید بگویند ماهیت این آیین‌نامه اجرایی است یا خیر؛ [اگر ماهیتش اجرایی باشد] ماده (۲) هم اشکال دارد.

حسب گردودن یا بلوچ بودن یا ترکمن بودن، [به پرونده‌های مربوط به احوال شخصیه اهل تسنن رسیدگی می‌کند و حکم قضیه را مطابق با مذهب خودشان صادر می‌کند].

آقای رهپیک - بله، رئیس قوهی قضائیه به آن قاضی ابلاغ می‌دهد و می‌گوید در این اموری که در قانون اساسی آمده که باید طبق مذهب خودشان به پرونده‌هایشان رسیدگی شود، رسیدگی کن.

آقای هاشمی شاهرودی - این قضات فقط به پرونده‌های مربوط به احوال شخصیه رسیدگی می‌کنند.

آقای علیزاده - بله، پرونده‌های مربوط به احوال شخصیهی اهل سنت را اینها رسیدگی می‌کنند.

آقای شب‌زنده‌دار - خیلی خُب، اینکه عملاً این کار را می‌کنند، یک مطلب است و اینکه قانون چیست، مطلب آخری است. قانون می‌گوید که قاضی شیعه می‌تواند بر اساس مذهب آنها حکم کند.

آقای هاشمی شاهرودی - شرعاً نمی‌تواند.

آقای شب‌زنده‌دار - آنچه از این قانون برداشت می‌شود، همین است. اشکال این قانون هم همین است.

آقای علیزاده - سابقه‌ی این قانون را بیاورید تا ببینیم.

آقای علیزاده - عنوان قانون، این است: «قانون اجازة رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم».

آقای هاشمی شاهرودی - قانون سابق، این‌طوری نیست. این مطلب در قانون اساسی نیامده است که قاضی شیعه مطابق با قوانین آنها حکم بدهد. اینها در قانون عادی، این‌طوری مقرر کرده‌اند.

آقای یزدی - «ماده واحده - نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارضیه و وصیت ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده، محاکم باید قواعد و عادات مسلّمه متداوله در مذهب آنان را جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد، به طریق ذیل رعایت نمایند:

۱- در مسائل مربوط به نکاح و طلاق، عادات و قواعد مسلّمه متداوله در مذهبی که شوهر پیرو آن است.

۲- در مسائل مربوط به ارث و وصیت، عادات و قواعد مسلّمه متداوله در مذهب متوفی

۳- در مسائل مربوط به فرزندخواندگی، عادات و قواعد مسلّمه متداوله در مذهبی که پدرخوانده یا مادرخوانده پیرو آن است.»

آقای شب‌زنده‌دار - ببینید؛ این ماده واحده تکلیف همه‌ی محاکم را مشخص کرده است؛ چه حاکم آن محکمه، شیعه باشد، چه غیر شیعه باشد.

صراحت دارد که در امور شخصیه و حقوق ارضیه‌ی ایرانیان غیر شیعه - آنهایی که جزء اقلیت‌های مذهبی محسوب می‌شوند - مطابق قانون آنها عمل بشود، منتها این به این معنا نیست که قاضی بیاید طبق قوانین آنها حکم کند، بلکه به این معنا است که قاضی این احکام را از مرجع رسمی آنها سؤال می‌کند.

آقای یزدی - از مرجع دینی‌شان سؤال می‌کند.

آقای علیزاده - بله، قاضی می‌پرسد که در این قضیه، حکم مذهب شما چیست [و سپس طبق حکم مذهب آنها به پرونده‌ی آنها رسیدگی می‌کند]. آقایان اعضای مجمع مشورتی فقهی قم می‌فرمایند قاضی نباید مطابق با قوانین آنها حکم صادر کند. در جلسات گذشته حضرت آیت‌الله شاهرودی در این خصوص فرمودند که اگر ما بگوییم این اشکال دارد و چنین حکمی نباشد، آن طرفش اشکال شرعی بیشتری پیدا می‌کند؛ چون شما می‌فرمایید اگر قاضی بیاید مطابق قوانین آنها حکم بکند، این خلاف شرع است؛ یعنی این رویه که قاضی به مراجع دینی آنها می‌گوید حکم شما درباره‌ی این قضیه چیست و بعد قاضی طبق حکم آنها، به طرفین دعوا می‌گوید شما بروید طبق این حکم عمل کنید، خلاف شرع است.

آقای یزدی - یادم است که در دوره‌ی ما [= ریاست بر قوه‌ی قضائیه] راجع به مسیحیان، حتی از شخص معینی [از مراجع دینی آنها] خواستیم که به دفتر ما بیاید [تا از احکام دینی‌شان در خصوص احوال شخصیه استعلام شود].

آقای علیزاده - بله، آنها اصلاً از اسقفشان می‌پرسند که در مورد فلان مسئله، نظر دینی شما چیست.

آقای یزدی - درباره‌ی احوال شخصیه از آنها می‌پرسند.

آقای علیزاده - در مورد اهل سنت، هم جناب‌عالی و هم حضرت آیت‌الله شاهرودی هر دو مستحضر هستید که برای رسیدگی به پرونده‌های احوال شخصیه اهل سنت، یک قاضی از بین خودشان انتخاب می‌شود.

آقای یزدی - بله.

آقای علیزاده - یعنی از بین خود آنها، قاضی دادگاه مدنی خاص نصب می‌کنند و آن ماموستا یا مولوی یا آن آخوند به

→

احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب، اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب.»

آقای هاشمی شاهرودی - الآن عملاً [قضات رسیدگی کننده به احوال شخصیه از خودشان انتخاب می شوند].

آقای شبزنده‌دار - هم از نظر مایحکم به و هم از نظر آیین دادرسی.

آقای هاشمی شاهرودی - حاج آقای شبزنده‌دار، حالا عملاً به این قانون دارد به این نحو عمل می شود؛ یعنی در عمل این ماده واحده این طور تفسیر شده که ما باید یک قاضی از بین خود اهل تسنن برای رسیدگی به پرونده‌های احوال شخصیه‌ی آنها بگذاریم و خود آنها حکم دعوا را صادر بکنند. این کار هم خلاف شرع نیست.

آقای علیزاده - برای اهل تسنن که همین طور دارد عمل می شود.

آقای علیزاده - برای غیر سنی‌ها، یعنی اقلیت‌های دینی زرتشتی، کلیمی و مسیحی هم مرجعشان باید حکم بدهد.

آقای یزدی - به مرجع دینی‌شان ارجاع می دهند.

آقای علیزاده - بله، آن مرجع می گوید حکم قضیه این است و بعد قاضی به طرفین می گوید خُب، بروید طبق این حکم عمل کنید.

آقای هاشمی شاهرودی - چون این ماده واحده گفته است که این موارد را «رعایت نمایند» و تصریح نکرده که یک قاضی شیعه این کار را بکند، الآن به این شکل عمل می کنند. لذا به نظر من، مجمع مشورتی فقهی بی خود به این قانون اشکال گرفته است.

آقای یزدی - حاج آقای شبزنده‌دار، این قانون گفته است که محاکم باید این موارد را رعایت کنند. اگر منظور از این قانون این باشد که قاضی شیعه خودش حکم بکند، این خلاف شرع است.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، منظور این نیست.

آقای یزدی - حالا البته من قبول ندارم، ولی شما می گوید این قانون با این عبارت اشکال دارد. خب اینکه در اینجا می گوید قاضی محکمه باید این موارد را رعایت کند، رعایتش به این است که اگر یک مسیحی برای احوال شخصیه به دادگاه مراجعه کرد، قاضی باید بلافاصله بگوید فلان کشیش در معبد شما مسئول این بخش است، نزد ایشان برو. درباره‌ی اهل سنت هم که یک قاضی از خودشان برای رسیدگی به این امور در نظر گرفته شده است تا حکم دعوا را بدهد.

آقای هاشمی شاهرودی - الآن هم همین طور است.

آقای هاشمی شاهرودی - نه دیگر، این طرف قضیه [که قاضی شیعه بخواهد طبق احکام آنها حکم دهد، اشکال دارد].

آقای علیزاده - در این قانون که نمی گوید قاضی شیعه مطابق با احکام آنها حکم بدهد، بلکه می گوید این موارد را رعایت کند.

آقای شبزنده‌دار - بند (۱) یعنی حکم باید طبق مذهب آنها باشد، حاکم هر کسی می خواهد باشد. اشکال این قانون، این است.

آقای علیزاده - بعداً دیده‌اند که تعداد قضات لازم کم است و این مصوبه نمی تواند در عمل اجرایی بشود؛ لذا آنچه الآن در عمل انجام می شود، همین رویه‌ای است که خدمتتان گفتم. به هر حال، این ماده واحده نمی گوید که قاضی ما طبق نظر آنها حکم کند.

آقای شبزنده‌دار - چرا؟

آقای علیزاده - چون این قانون فقط می گوید این احکام باید در محاکم رعایت بشود.

آقای شبزنده‌دار - این قانون دارد می گوید حاکم شرع محاکم هر کسی که می خواهد باشد، ۱- در مسائل مربوط به نکاح و طلاق ۲- در مسائل مربوط به ارث و وصیت و ۳- در مسائل مربوط به فرزندخواندگی [باید مطابق عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهب آنها حکم شود].

آقای هاشمی شاهرودی - این قانون مصوب مجلس شورای ملی است.

آقای علیزاده - بله.

آقای هاشمی شاهرودی - خب این قانون که مربوط به قدیم است.

آقای شبزنده‌دار - این قانون، نسخ نشده است.

آقای هاشمی شاهرودی - خیلی خُب، حالا ما می خواهیم این قانون را بررسی کنیم!

آقای شبزنده‌دار - حالا این یک بحث دیگری است. حضرت آقا [= مقام معظم رهبری] فرمان دادند که شما قوانین گذشته را بررسی کنید. حالا ما باید ببینیم که این قوانین، مخالف شرع نباشد. **آقای یزدی** - در این قانون گفته است که محاکم باید مطابق با قواعد و عادات مسلمة متداوله در مذهب آنان حکم صادر کنند. شما می گوید عبارت «محاکم» که در این قانون آمده است یعنی قاضی شیعه.

آقای شبزنده‌دار - هر کسی.

آقای یزدی - آن وقت قاضی شیعه باید در مسائل آنها طبق مذهب آنها نظر بدهد؛ اشکال شما این است دیگر.

اختیار دارد که دعوی آنها را نزد خود بپذیرد یا نپذیرد. پس قاضی می‌تواند چنین دعوی را حکم بکند یا نکند.

آقای شب‌زنده‌دار - نه.

آقای یزدی - بله.

آقای شب‌زنده‌دار - نه، آن آیه می‌گوید که پیامبر مختار است که یا میان آنها حکم نکند یا [طبق موازین صحیح اسلامی میان آنها حکم کند].

آقای یزدی - نه، قضات می‌توانند مطابق نظر دینی آنها حکم بکنند. قاضی مختار است میان آنها حکم نکند یا حکم بکند و مختار است حتی مطابق نظر دینی خود آنها حکم بکند.

آقای شب‌زنده‌دار - بر چه مبنایی؟

آقای یزدی - بله، در مدارک روایی چنین مطلبی داریم، حالا من کاری به بحث فتوایی ندارم، ولی یادم است که از نظر اجتهادی راجع به این موضوع بحث کردیم و به همین نظری که حاج آقا [= آقای جنتی] اشاره می‌کنند، رسیدیم؛ یعنی قاضی اسلامی اگر مراجعه کننده‌اش غیرمسلمان باشد می‌تواند طبق عادات و رسوم یا طبق احکام دینی آنها نظر بدهد. اینها هست، ولی حالا ما کاری به آن مباحث نداریم.

آقای جنتی - آقای شب‌زنده‌دار، شما راجع به این موضوع، فتوایی از امام (ره) و یا مقام معظم رهبری دارید؟

آقای شب‌زنده‌دار - فقط آقای منتظری در بحث استدلالی‌شان در این خصوص بحث کرده‌اند. ایشان گفته است که قاضی شیعه در دعوی غیر شیعیان می‌تواند [با توجه به احکام آنها حکم بدهد].

آقای هاشمی شاهرودی - قاضی طبق قاعده‌ی الزام بین آنها حکم کند.

آقای یزدی - من واقعاً فتوای آقای منتظری را ندیده‌ام، ولی می‌دانم که برخی از فقها چنین نظری دارند.

آقای جنتی - نه، حالا آن فتواها که به درد ما نمی‌خورد، ولی به نظر من، این ماده واحده اشکالی ندارد.

آقای یزدی - بله، الان آن فتواها به درد ما نمی‌خورد.

آقای علیزاده - در این مورد، یک مصوبه از مجمع تشخیص

→

می‌خورند. پس اگر نزد تو آمدند، در میان آنان داوری کن، یا (اگر صلاح دانستی) آنها را به حال خود واگذار و اگر از آنان صرف نظر کنی، به تو هیچ زبانی نمی‌رساند و اگر میان آنها داوری کنی، با عدالت داوری کن، که خدا عادلان را دوست دارد.» ترجمه‌ی آیت‌الله مکارم شیرازی.

آقای یزدی - الان هم همین‌طور است. اینکه در این قانون گفته شده که محاکم باید قواعد و عادات آنها را رعایت نمایند، اگر منظور این باشد که رئیس شیعه‌ی محکمه مثلاً فتوای مسیحیت یا یهودیت را عمل بکند، خُب بگویند چنین چیزی اشکال دارد، ولی این ماده واحده این را نمی‌گوید. این قانون دارد می‌گوید آن وقتی که دادگاه چنین مراجعه‌کننده‌ای داشت، باید این موارد رعایت بشود. البته چون کشور، کشور اسلامی و محاکم، محاکم اسلامی است، وقتی آن مسیحی به محکمه مراجعه کرد، محکمه او را به کشیش ارجاع می‌دهد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، او را به کشیشان ارجاع می‌دهد.

آقای یزدی - در مورد یهودیان هم، آنها را به خاخامشان ارجاع می‌دهند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای یزدی - در مورد اهل تسنن هم، آنها را به قاضی اهل سنت ارجاع می‌دهند.

آقای جنتی - نه، آنچه که من از این ماده واحده می‌فهمم این است که خود قاضی شیعه‌ی ما هم باید احکام آنها را اعمال کند.

آقای شب‌زنده‌دار - ما می‌گوییم این قانون دارد می‌گوید محکمه باید این کار را بکند؛ بنابراین فرقی نمی‌کند قاضی، شیعه باشد یا غیر شیعه.

آقای یزدی - نه، این ماده واحده گفته است که محاکم باید «به طریق ذیل رعایت نمایند».

آقای جنتی - مطابق مذهب خودشان، باید موارد را رعایت کنند. حالا با توجه به ذیل ماده واحده، نظر من هم این است که اگر قاضی خودمان هم طبق احکام آنها قضاوت بکند، اشکالی ندارد.

آقای علیزاده - خیلی خُب.

آقای جنتی - این ماده واحده هم همین را می‌گوید.

آقای یزدی - البته از نظر اجتهادی همین‌طور است؛ به قاضی اختیار داده شده که می‌توانی حکم بکنی. [طبق آیه (۴۲) سوره‌ی مائده]^۱ شخص رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز

۱. آیه (۴۲) سوره‌ی مائده: «سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكْأَلُونَ لِمَسْحَتِ فَإِنْ جَاؤَكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرَضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرَضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ: آنها بسیار به سخنان تو گوش می‌دهند تا آن را تکذیب کنند. مال حرام فراوان ←

مصلحت هم داریم؛ آن را بیاورید.

آقای یزدی - اگر منظور از این عبارت «محاکم باید رعایت نمایند» این باشد که یعنی قاضی ما مطابق حکم مسیحیت و یهودیت و زرتشتیت حکم بکند، خُب اشکال آقایان اعضای مجمع مشورتی فقهی وارد است، ولی اگر در این ماده واحده، معنای «رعایت نمایند» این است که به طریقی که متناسب باشد - حالا با نصب یک قاضی از خودشان یا با ارجاع آن مراجعه‌کننده به مرجع دینی‌شان- دعوا را حل کنیم، ایرادی ندارد. من واقعاً از کلمه‌ی «رعایت» در این ماده واحده، همین را می‌فهمم. چون عملاً هم همین طور عمل کرده‌ایم و رویه تاکنون همین بوده است. الآن هم به همین صورت عمل می‌شود. ما می‌گوییم منظور از «رعایت» که در این قانون آمده است، همین است.

آقای علیزاده - در خصوص این موضوع، علاوه بر این قانون، یک قانون دیگری هم داریم که مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام است. [قانون رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی، مصوب ۱۳۷۲/۴/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام]: «ماده واحده- رأی وحدت رویه شماره (۳۷) مورخ ۱۳۶۳/۹/۱۹ هیئت عمومی دیوان عالی کشور،^۱ عیناً و به شرح ذیل به تصویب رسید:

نظر به اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^۲ و

۱. رأی وحدت رویه‌ی شماره (۳۷) مورخ ۱۳۶۳/۹/۱۹ هیئت عمومی دیوان عالی کشور: «نظر به اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اینکه به موجب ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم مصوب مرداد ۱۳۱۲ نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده، لزوم رعایت قواعد و عادات مسلّمه متداوله در مذهب آنان در دادگاه‌ها جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد تصریح گردیده، فلذا دادگاه‌ها در مقام رسیدگی به امور مذکور و همچنین در رسیدگی به درخواست تنفیذ وصیت‌نامه ملزم به رعایت قواعد و عادات مسلّمه در مذهب آنان جز در مورد مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی بوده و باید احکام خود را بر طبق آن صادر نمایند. این رأی برابر ماده (۴۳) قانون امور حسبی و ماده (۳) از مواد اضافه‌شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب مردادماه ۱۳۳۷ برای دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.»

۲. اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند.»

اینکه به موجب ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم مصوب مرداد ۱۳۱۲ نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده، لزوم رعایت قواعد و عادات مسلّمه متداوله در مذهب آنان در دادگاه‌ها جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد تصریح گردیده، فلذا دادگاه‌ها در مقام رسیدگی به امور مذکور و همچنین در رسیدگی به درخواست تنفیذ وصیت‌نامه ملزم به رعایت قواعد و عادات مسلّمه در مذهب آنان جز در مورد مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی بوده و باید احکام خود را بر طبق آن صادر نمایند. این رأی برابر ماده (۴۳) قانون امور حسبی و ماده (۳) از مواد اضافه‌شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب مردادماه ۱۳۳۷ برای دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.» نکته‌ی دیگر این است که این موضوع در مجمع تشخیص مصلحت نظام به عنوان ضرورت و رفع معضل مطرح شد و به تصویب رسید. الآن شما باید این قانون را نیز مد نظر قرار بدهید.

آقای یزدی - این قانون در خصوص همین ماده واحده‌ای است که الآن داریم بحث می‌کنیم؛ چون عبارتی که در این قانون آمده است، عین همین عبارتی است که در این ماده واحده است. معنای آن قانون و عبارت «باید رعایت کنند» در آن قانون هم این نیست که قاضی خودش طبق حکم مسیحیت و یهودیت حکم صادر کند.

آقای علیزاده - الآن عملاً هم قاضی محکمه یک نامه به مرجع دینی آنها می‌نویسد و حکم دعوا را از آنها می‌پرسد. الآن اگر یک شخص یهودی به دادگاه برود و بگوید که ارث من را تعیین تکلیف کنید، دادگاه ما یک نامه به خاخام یهودیان می‌نویسد [و حکم ارث را در دین یهود جویا می‌شود]. خاخام هم در جواب می‌نویسد در مذهب و دین یهودیت، فرض بفرمایید ارث پسر اول این مقدار است یا اگر دختری شوهر کرده باشد، در صورتی که جهیزیه گرفته باشد، این‌طور است و اگر نگرفته باشد یا شوهر نکرده باشد، ارثش این‌طور است. خاخام اینها را برای قاضی می‌نویسد. قاضی هم به آن شخص خواهان می‌گوید شما طبق قانون، مطابق این حکم مرجع دینی خود بروید و به این صورت عمل کنید. الآن شما بروید ببینید در عمل، قاضی محکمه برای زرتشتی به مرجع دینی‌شان در آتشکده و برای آقای ارمنی به مرجع دینی‌شان در کلیسا این نامه را می‌نویسد. هر کلیسایی، یک شورا دارند که ما آن را به رسمیت می‌شناسیم.

آقای هاشمی شاهرودی - اکثر احوال شخصیه همین طلاق و نکاح است.

آقای شب‌زنده‌دار - نه، سه مورد است.

آقای یزدی - طلاق و نکاح و ارث و صلح و مواردی از این قبیل است.

آقای هاشمی شاهرودی - قاعده‌ی الزام در اکثر احوال شخصیه جاری است. حالا من دقیقاً نمی‌دانم در کجاها به کار می‌رود و کجاها به کار نمی‌رود، ولی اجمالاً می‌دانم که در اکثر احوال شخصیه، قاعده‌ی الزام جاری است. قاعده‌ی الزام هم یک قاعده‌ی واقعی است، نه ظاهری؛ یعنی چیزی است که قاضی می‌تواند طبق این قاعده حکم کند.

آقای علیزاده - اینها تأسیسی نیست؛ اینها اعلامی است.

آقای شب‌زنده‌دار - بله، درست است، منتها من تقاضایم این است که این (۲) یا (۳) صفحه مطلبی که در مجمع مشورتی فقهی تهیه شده،^۲ درست مطالعه بشود. در این گزارش، بحث را در دو قسمت، یکی اهل تسنن و یکی هم ادیان دیگر مطرح کرده‌اند.

آقای یزدی - ما این قانون را بلا اشکال می‌دانیم. ما این متن قانونی را بلا اشکال می‌دانیم؛ چون معنای «رعایت» در این قانون را به این معنایی که آقایان اعضای مجمع مشورتی فقهی برداشت کرده‌اند نمی‌بینیم.

آقای هاشمی شاهرودی - نکته‌ی دیگر وجود مصوبه‌ی مجمع تشخیص است. آقای شب‌زنده‌دار، ما که نمی‌توانیم مصوبه‌ی مجمع تشخیص را خراب کنیم.

آقای یزدی - الآن عملاً هم دستگاه‌های قضایی دارند این مصوبه را اجرا می‌کنند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، به این مصوبه‌ی مجمع عمل شده است.

آقای یزدی - دادگاه‌های ما این قانون را رعایت می‌کنند.

آقای شب‌زنده‌دار - با این برداشتی که خدمتتان عرض کردم، نمی‌شود به آن قانون [اجازه‌ی رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم] عمل کرد.

آقای یزدی - بله، اشکالی ندارد. درست است.

آقای علیزاده - برای اهل سنت هم به این شکل است که برای اهل سنت در مناطق سنی‌نشین، قاضی سنی منصوب کرده‌اند. خوب، الآن اگر شما این قانون را خلاف شرع اعلام کنید، واقعاً وضعیت این اقلیت‌های مذهبی نابسامان می‌شود.

آقای یزدی - بله، این قانون، خلاف شرع نیست.

آقای علیزاده - من خدمت حضرت آیت‌الله جنتی هم عرض کردم؛ گفتم اینکه آقایان مجمع مشورتی قم می‌گویند بعضی از قوانین گذشته، خلاف شرع است، لازم است که ما ابتدا یک راه حل عملی پیشنهاد بکنیم، بعد بگوییم که این قانون، خلاف شرع است. حاج‌آقای جنتی هم این موضوع را خدمت مقام معظم رهبری مطرح فرمودند و حضرت آقا فرمودند که بله، این طوری رعایت بشود وگرنه اگر بخواهند وضعیت جاری را به هم بزنند، [کشور دچار مشکل می‌شود].

آقای یزدی - بله، باید همین‌گونه باشد. مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت هم عبارت را عیناً آورده که «رعایت نمایند»، ولی نگفته حکم بدهند.

آقای هاشمی شاهرودی - ما در باب نکاح و طلاق، قاعده‌ی الزام را در مورد سنی‌ها جاری می‌کنیم و می‌گوییم حکم واقعی عوض می‌شود.

آقای علیزاده - بله.

آقای جنتی - بله، درباره‌ی سنی‌ها می‌شود چنین کاری کرد، اما در یهودی‌ها و مسیحی‌ها این‌طور نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - یعنی اگر یک کسی از اهل سنت، [از نظر ما] طلاق را به صورت باطل جاری کرده باشد، [در صورتی که طلاقش بر اساس مذهب خودش درست جاری شده باشد] ما می‌گوییم این طلاق، صحیح است و لذا اگر زن او شیعه هم باشد، می‌گوییم می‌تواند آن زن برود و با مرد دیگری ازدواج کند.

آقای شب‌زنده‌دار - در مورد نکاح و طلاق درست است.

آقای هاشمی شاهرودی - خوب، این هم همان است؛ موضوع این قانون هم احوال شخصیه است.

آقای شب‌زنده‌دار - فقط این نیست.

آقای یزدی - «لِکُلِّ قَوْمٍ نِكَاحٌ»^۱.

۲. نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۳/ف/۱۰۷، مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۶ و نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۳/ف/۱۰۸ مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۶. گفتنی است متن کامل این نظرات مجمع مشورتی فقهی، در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۲/۱۰ شورا در خلال بررسی همین دستور، به صورت پاورقی آمده است.

۱. ناظر به روایتی از پیامبر اکرم (ص) است که حضرت می‌فرمایند در هر قومی قوانین ویژه‌ای برای ازدواج وجود دارد و از این رو، اسلام به آداب و رسوم دیگر اقوام در این زمینه احترام می‌گذارد و نکاح آنها را معتبر می‌شمارد.

دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی» در اجرای بند هشتم اصل یکصد و دهم قانون اساسی در جلسه روز پنجشنبه مورخ سوم تیرماه یکهزار و سیصد و هفتاد و دو مجمع تشخیص مصلحت نظام به شرح ماده واحده فوق به تصویب رسیده است. «**آقای شبزنده‌دار** - ماده واحده همین چیزی است که قبلاً بوده است.

آقای علیزاده - بله دیگر، مجمع تشخیص مصلحت نظام بر اساس بند (۸) اصل (۱۱۰) قانون اساسی، آن را تصویب کرده است. **آقای هاشمی شاهرودی** - مجمع تشخیص آن را به عنوان معضلی که رهبری به مجمع ارجاع داده است، تصویب کرده است.

آقای شبزنده‌دار - چه معضلی در بین بوده است؟ این موضوع که از قبل قانون داشته است!

آقای هاشمی شاهرودی - به هر حال، حضرت آقا آن را معضل تشخیص داده‌اند. ما چه می‌دانیم و جهش چه بوده است.

آقای علیزاده - موضوع حل معضل نظام، بند (۸) اصل (۱۱۰) قانون اساسی است: «۸- حل معضلات نظام که از طریق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام.»

آقای شبزنده‌دار - آخر چه معضلی بوده است؟

آقای هاشمی شاهرودی - این موضوع را ما تشخیص نمی‌دهیم، رهبری تشخیص می‌دهند. معضلات را رهبری می‌دانند.

آقای یزدی - مجمع تشخیص ابتدائاً که نمی‌تواند مسئله‌ای را از باب حل معضل بررسی کند. اینجا نوشته که این مسئله از باب معضل به مجمع ارجاع داده شده است.

آقای هاشمی شاهرودی - معضل ابتدائاً به مجمع تشخیص داده نمی‌شود.

آقای شبزنده‌دار - خوب وقتی در این زمینه، قانون داشته‌ایم، همان قانون را بدهیم [تا شورای نگهبان آن را بررسی کند].

آقای هاشمی شاهرودی - رهبری تشخیص داده‌اند که این موضوع، معضل نظام است.

آقای علیزاده - باید سابقه‌ی این قانون را دریاوریم. احتمالاً یک إن‌قلت‌هایی در مورد غیر شرعی بودن این قانون مطرح بوده است.

آقای یزدی - بله، همین طور است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، در آن زمان هم همین بحث‌ها [= بحث‌های مربوط به غیر شرعی بودن اجرای قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم] را می‌کردند. دادگاه‌ها هم به اشکال‌کنندگان گفته بودند که هیئت

آقای هاشمی شاهرودی - چرا دیگر؛ دادگاه‌ها طبق مقررات و طبق همین مصوبه حکم می‌دهند.

آقای یزدی - مصوبه‌ی مجمع تشخیص است.

آقای علیزاده - این قانون، در مجمع تشخیص مصلحت نظام، نه به‌عنوان رفع اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان، بلکه به‌عنوان معضل مطرح شده و مجمع از باب رفع معضل آن را تصویب کرده است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، به عنوان معضل نظام آن را تصویب کرده‌اند.

آقای یزدی - بله.

آقای جنتی - در چه تاریخی تصویب شده است؟

آقای طحان‌نظیف (منشی) - ۱۳۷۲/۴/۳.

آقای علیزاده - ذیل اصل (۱۳) قانون اساسی را که خواندم، دیدم این مصوبه را هم آورده است.

آقای شبزنده‌دار - در مصوبه‌ی مجمع هم به همین قانون [اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم] استناد کرده است.

آقای هاشمی شاهرودی - خیلی خُب، مجمع تشخیص همان قانون را تصویب کرده است.

آقای یزدی - آن قانون هم عیبی ندارد، ولی حالا مصوبه‌ی مجمع تشخیص هم است.

آقای هاشمی شاهرودی - آقای شبزنده‌دار، هیئت عمومی دیوان عالی کشور، اول این مطلب را [به صورت رأی وحدت رویه] گفته است، بعد مجمع تشخیص مصلحت آن رأی را که ناظر بر همین قانون است، تصویب کرده است. ما دیگر نمی‌توانیم کاری بکنیم، مگر اینکه مصوبه‌ی مجمع تشخیص را خرابش کنیم.

آقای یزدی - بله، همین طور است.

آقای شبزنده‌دار - شما می‌گویید که این قانون، مشکلی ندارد یا چون مصوب مجمع تشخیص است اشکالی ندارد؟

آقای یزدی - بسیار خُب، بالاخره این قانون، مصوبه‌ی مجمع تشخیص هم است، ضمن اینکه خود آن قانون هم بلا اشکال است.

آقای هاشمی شاهرودی - بالاخره مجمع تشخیص اجازه داشته که خلاف شرع تصویب کند.

آقای علیزاده - ذیل مصوبه‌ی مجمع گفته است: «قانون «رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات

عمومی دیوان عالی کشور درباره‌ی این موضوع، رأی وحدت رویه صادر کرده است، ولی باز هم قبول نکردند و آن را خدمت رهبری بردند.

آقای یزدی - منشأ معضلس همین بوده است. چون برخی از آقایان علمای قم به این قانون اشکال وارد می‌کردند، کسان دیگری هم اشکال وارد کرده بودند. البته بعضی‌ها هم به این قانون اشکالی وارد نمی‌دانستند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای شب‌زنده‌دار - از کجا معلوم که این مسئله، معضل نظام بوده است؟

آقای یزدی - از همین مصوبه معلوم می‌شود. اینها موضوع را به رهبری منتقل کرده‌اند. ایشان هم آن را برای بررسی به مجمع تشخیص ارجاع داده‌اند.

آقای علیزاده - این مصوبه، خلاف شرع نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، خدمت رهبری رفتند و ایشان بررسی این قانون را به عنوان معضل نظام به مجمع تشخیص ارجاع دادند.

آقای شب‌زنده‌دار - خُب، اگر این کار را کرده‌اند، [چرا خود مجمع تشخیص، ابتدائاً قانون‌گذاری نکرد؟]

آقای یزدی - چون مجمع تشخیص هیچ‌وقت ابتدائاً برای قانون‌گذاری وارد نمی‌شود.

آقای علیزاده - در مورد این قانون اجازه‌ی رعایت احوال شخصیه‌ی ایرانیان غیر شیعه در محاکم، بفرمایید با توجه به مصوبه‌ی مجمع تشخیص، اشکالی ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، به مصوبه‌ی مجمع تشخیص استناد کنید.

آقای یزدی - به مصوبه‌ی مجمع تشخیص استناد کنید.

آقای علیزاده - پس این را این‌طور می‌نویسیم که قطع نظر از شرعیات، شرعی بودن یا نبودن این قانون، با توجه به مصوبه‌ی مجمع تشخیص، اقدامی ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، با توجه به مصوبه‌ی مجمع تشخیص مورخ تیرماه ۱۳۷۲.

آقای علیزاده - «قطع نظر از شرعی بودن یا نبودن قانون مذکور، با توجه به مصوبه مورخ ۱۳۷۲/۴/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام، به عنوان حل معضل نظام، اقدامی از سوی این شورا ندارد.»